



رسانه خبر سلف اینکیز

دکترین جمهوری اسلامی ایران



رستاخیز شگفت‌انگیز، دکترین جمهوری اسلامی ایران

عنوان : رستاخیز شگفت‌انگیز ، دکترین جمهوری اسلامی ایران

به قلم : سید علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۱۸

تهیه و تدوین : سازمان بسج دانشجویی کل کشور

طراحی جلد و صفحه‌آرایی : علی باقری

چاپ اول ۱۳۸۷

تیراژ : ۱۰۰۰۰ نسخه

قیمت : ۸۵۰ تومان

تلفن : ۱۷۶ ۰ ۸۸ ۷۶ (۰۲۱)

با همکاری www.khamenei.ir

– مقدمه

در اولین سال‌های بعد از امام، دوستان انقلاب و دشمنان آن متظر بودند تا خط مشی جدید جمهوری اسلامی ایران را ببینند؛ دشمنان امید داشتند که مسیر انقلاب تغییر زاویه پیدا کند و دوستان از آینده نگران بودند.

«رستاخیز شگفت‌انگیز»، پیامی است مکتوب که در اولین سالگرد درگذشت امام راحل برای مردم نگران آن روزها ارسال شد. این متن در آن دوره تکلیف خیلی چیزها را روشن کرد و مسیر آینده پر امید انقلاب را روشن ساخت. اهمیت پیام در دو چیز است:

اول محتوای پیام است که در ابتدا به مقدماتی از انقلاب و دوران امامت امام خمینی می‌پردازد و بعد از آن، دوازده برنامه آینده جمهوری اسلامی ایران را مطرح می‌کند.

دوم آنکه این متن مفصل و مهم را رهبر جوان و جدید ایران به رشته تحریر درآورده است.

سکandar جدید انقلاب اسلامی ایران از برنامه‌های آینده جمهوری اسلامی ایران سخن می‌گوید.

او ملت امیدوار ایران را به تعالی و پیشرفت می‌خواند و دشمنان مایوس را به مسیر رستگاری دعوت می‌کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ


«رجال لا تلهيهم تجاره و لا بيع عن ذكر الله و أقام الصلوة و إيتاء الزكوه يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب و الأبصار. ليجزئهم الله أحسن ما عملوا و يزيدهم من فضله و الله يرزق من يشاء بغير حساب» (۱)

در تاریخ پُرماجرایی انقلاب، هیچ روزی مانند دوازدهم بهمن نبود که در آن، مردی از دودمان پیامبران و بر شیوهی آنان، با دستی پُر معجزه و دلی به عمق و وسعت دریا، در میان مردمی شایسته و چشم به راه، چون آیهی رحمت فرود آمد و آنان را بر بال فرشتگان قدرت حق نشانید و تا عرش عزت و عظمت برکشید؛ و هیچ روزی چون چهاردهم خرداد نبود که در آن، طوفان مصیبت و عزا، بر این مردم تازیانه‌ی غم و اندوه فرود آورد. ایران یک دل شد و آن دل در حسرتی گدازنده سوخت، و یک چشم شد و آن چشم در مصیبتی عظیم گریست. در آن روز، خورشیدی غروب کرد که با طلوع آن، هزار چشمه‌ی نور در زندگی ملت ایران جوشیده

در آن روز،
خورشیدی غروب کرد
که با طلوع آن، هزار
چشمه‌ی نور در زندگی
ملت ایران جوشیده
بود

بود؛ روحی عروج کرد که با نَفَس روح‌اللهی‌اش، پیکر ملت را جان بخشیده بود؛ حنجره‌ای خاموش شد که نَفَس گرمش، سردی و افسردگی از جهان اسلام زدوده بود؛ لبانی بسته شد که آیات الهی عزت و کرامت را بر مسلمین فروخوانده و افسونِ یأس و ذلت را در روح آنان باطل ساخته بود.

آن روز، روز عزای بزرگ عالم اسلام شد. سوزش آن غم، به ملت ایران منحصر نماند. در سراسر جهان، هر جا دل روشن و جان بیداری بود، مصیبت‌زده شد. هر جا مسلمانی آگاه از انقلاب و مسائل آن بود، خود را صاحب عزا شمرد. پس، در روی زمین جایی نماند که در آن، دل‌هایی از این حادثه‌ی عظیم، از اندوه لبریز نشود و انسان‌هایی از این فقدان بی‌جبران، به عزا ننشینند.

 آن روز، روز عزای بزرگ عالم اسلام شد و جز خدا و اولیایش کیست که حد و مرز این عظمت را بشناسد؟

عزا خانه‌ای به گستره ایران

و اما ایران، یکسر عزاخانه‌ای شد که در هر شهر و روستایش، شیون حسرت‌بار از یکایک خانه‌ها سرریز شد و کوی و میدان و خیابان را پُر کرد. هیچ‌کس نتوانست این جرعه‌ی درد را خاموش فرو برد؛ از

دلاوران میدان‌های نبرد، تا مادران و پدرانی که غم شهادت جوانانشان نتوانسته بود گرهی عجز و اندوه بر جبینشان بیفکند، تا بزرگمردان عرصه‌ی علم و عرفان و سیاست و تا یکایک آحاد این ملت عظیم‌القدر، همه و همه در این مصیبت عظمی زار زار گریستند، یا صدا به فغان بلند کردند، یا بی‌صبرانه بر سروسینه زدند. مصیبت فقدان امام، همان به بزرگی امام بود و جز خدا و اولیایش کیست که حد و مرز این عظمت را بشناسد؟ آن‌جا که دل‌های بزرگ بی‌تاب می‌شوند، آن‌جا که انسان‌های بزرگ دست و پا گم می‌کنند، آن‌جا که صحنه، از بی‌قراری میلیون‌ها و میلیون‌ها انسان پُر است، کدام زبان و قلم انسانی است که بتواند نمایشگر و صحنه‌پرداز گردد؟ من که خود قطره‌ی بی‌تابی در اقیانوس متلاطم آن روز- و آن روزها- بوده‌ام، چگونه خواهم توانست آن را شرح کنم؟!

شاید چشم‌های نافذی که حجاب ملک را می‌گشایند، در آن عاشورای خمینی دیده باشند استقبال خیل عظیم شهدا را از آن روح مطهر.

و اما روی دیگر صحنه، یعنی فضای ملکوت جهان در آن روز، تنها برای اصحاب بصیرت و معرفت مشهود بوده است. شاید چشم‌های نافذی که حجاب ملک را می‌گشایند و مرغ نگاه را تا ملکوت پرواز می‌دهند،

شگفتی‌های بیشتر و صحنه‌های تماشایی‌تری را آن روز در آن عاشورای خمینی دیده باشند: عروج نفس مطمئنه‌ای را به قرارگاه لطف و رحمت خدا، صعود کلمه‌ی طیبه‌ای و نفس راضیه و مرضیه‌ای را به سوی حق، رجوع جویباری را به دریا و وصال عاشقی را به معشوق، استقبال خیل عظیم شهدا را از آن روح مطهر و خیرمقدم ارواح طیبه‌ی اولیا را به آن میهمان تازه وارد، فوز و فلاح جان مزکایی را که بر بال ملایک رحمت نشست و شمیم حسنات بی‌شمارش، مشام فرشتگان و خزنه‌ی بهشت نعیم حق را معطر ساخته، عمل صالحی را که ردایی از نور گشته و بر پیکر ملکوتی آن روح مجرد پوشانیده شده و باران غفران و فضل خداوندی گشته و بر سراپای آن عبد صالح فروریخته و دارالسلام ابدی شده و آن مشتاق رضوان حق را در خود جای داده است.


افسوس که برای ما خاکیان، از آن آیینه‌بندان جشن ملکوتی، بارقه‌ی تسلیی نمی‌درخشید و جز اشک دیدگان، نمی‌بر آتش هجران آن قبله‌ی دل‌ها افشانده نمی‌شد. شور عزا در غم پدر مهربان، معلم دلسوز و مرشد حکیم و دیدبان همیشه بیدار و طیبب درد و

شور عزا در غم پدر مهربان، معلم دلسوز و مرشد حکیم و دیدبان همیشه بیدار و یادگار انبیا و اولیا در زمین، اهل زمین را می‌گداخت و غمی بی‌تسلا بر آنان فرو می‌ریخت.

درمان‌شناس و سروش رحمت خدا بر امت و یادگار انبیا و اولیا در زمین، اهل زمین را می‌گذاخت و غمی بی‌تسلا بر آنان فرو می‌ریخت. زمان، یگانه‌ی خود را از دست داد و زمین، گوهری یکدانه را در خود گرفت. پرچمدار بزرگ اسلام، پس از عمری مبارک که در راه اعتلای اسلام سپری شده بود، دنیا را وداع کرد و قطب عالم امکان و ولیّ الله الأعظم ارواحنا فداه در مصیبت خلیفه‌ی خود سوگوار شد.

میراث امام

اکنون، یک سال از آن روزهای ملامال درد و رنج می‌گذرد. سالی که در آن، یاد و حضور امام، لحظه‌ای ملت ما را ترک نگفته و زنده و برجسته و درخشان در ذهن و زندگی آنان و دیگر مسلمانان و مستضعفان در سراسر جهان برجا مانده است. آنچه پس از حیات پُربرکت امام و در این یک سال، برای ما و همه‌ی دلسوزان امت اسلام بیشترین اهمیت را داشته، میراث عظیم و تاریخی و بی‌نظیر او - جمهوری اسلامی و سلامت و توان و شتاب و جهت‌گیری صحیح آن در راه و خط امام - بوده است. این، همان چیزی است که در

 آنچه پس از حیات پُربرکت امام و برای دلسوزان امت اسلام بیشترین اهمیت داشته، سلامت و توان و شتاب و جهت‌گیری صحیح جمهوری اسلامی در راه و خط امام - بوده است.

دوران زندگی آن بزرگوار نیز مسأله‌ی اول برای ملت ایران و دوستان آن در سراسر جهان، بلکه برای هر مسلمانی به حساب می‌آمده که به مجد و عظمت اسلام دل بسته بوده است؛ و حق نیز همین است.

جمهوری اسلامی که با پیدایش خود، راه نوینی در مقابله با زورگویان طراز اول عالم باز کرد و به ملت‌های مستضعف- مخصوصاً مسلمانان- امیدی تازه بخشیده و در مدت ده‌سال و اندی رهبری امام راحل عظیم، بارها قلدران زمان را عملاً تحقیر کرده و دروغ شکست‌ناپذیری آنان را باطل ساخته است، باید هم بیشترین اهتمام امت اسلام و ملت ستم‌کشیده‌ی ما را به خود جلب کند؛ همچنان‌که آن پیشوای صالحان نیز همیشه بیشترین همت خود را به همین دو مسأله می‌گماشت: پاسداری از جمهوری اسلامی و مراقبت از جهت‌گیری راست و درست آن. و آن فقیه عظیم‌القدر و اسلام‌شناس بی‌بدیل، حفظ جمهوری اسلامی را برتر و با اهمیت‌تر از هر واجبی می‌دانست.


آن فقیه عظیم‌القدر
و اسلام‌شناس بی‌بدیل،
حفظ جمهوری اسلامی را
برتر و با اهمیت‌تر از
هر واجبی می‌دانست.

با رحلت امام خمینی(ره)، طیف وسیع دشمنان اسلام که در صفوف مقدّم معارضه با جمهوری اسلامی

بودند، این امید را پنهان نکردند که جمهوری اسلامی در غیاب پدیدآورنده و پرورانده‌ی خود، نیروی دفاع و رشد را از دست بدهد و چون کودک بی‌صاحبی، احساس ضعف و درماندگی کند، یا به‌کلی از پای درآید و یا به‌ناچار به زیر دامن این و آن پناه گیرد! در محاسبات تنگ‌نظرانه‌ی دشمنان که همه بی‌استثنا اسیر محاسبات صددرد صد مادی و از فهم روابط معنوی و برکات ایمان و تقوا بی‌نصیبند، نمی‌گنجید که معجزه‌ی الهی در طلیعه‌ی قرن پانزدهم هجری- یعنی حکومت صلاح و دین و حیات دوباره‌ی ارزش‌های اسلامی- آن قله‌ی مرتفعی باشد که دست آلوده‌ی بندگان هوی و هوس به آن نرسد و دیپلماسی زر و زور از به دام افکندن آن عاجز بماند!

رستاخیز شگفت انگیز

اما اراده‌ی الهی این بود، و همان شد که اراده‌ی الهی بود. نظام اسلامی، رشد و کارایی خود را در این مصیبت و ابتلای عظیم الهی نشان داد و ملت عالی‌قدر و مسؤولان دلسوز و اهل حل و عقد، به پاداش صبر بر این مصیبت عظمی، استحقاق درود و رحمت حق را

اراده‌ی الهی  این بود، و همان شد که اراده‌ی الهی بود. نظام اسلامی، رشد و کارایی خود را در این مصیبت و ابتلای عظیم الهی نشان داد.

یافتند و به کمک خداوند و توجهات حضرت ولیّ الله اعظم ارواحنا فداه توانستند با گشودن گره‌هایی که به‌طور طبیعی در صورت ارتحال امام پدید می‌آمد، از امتحانی بزرگ سربلند بیرون آیند. نظام اسلامی که قلب تپنده‌ی خود را از دست داده بود، به برکت ایمان و توکلش و به برکت درس‌های جاودانی که مردمش از آن استاد و مرشد خود آموخته بودند، نه فقط از حرکت و حیات و نشاط باز نماند، بلکه با نشان دادن کارآزمودگی و حکمت و سرعت عمل، اعتبار خود را مضاعف ساخت.

ابراز وفاداری ملت در آن عزاداری بی‌نظیر که در مقیاس جهان و تاریخ، فوق‌العاده بود، حل مسأله‌ی رهبری، اعلام حضور عاشقانه‌ی همه‌جایی و همگانی مردم در دفاع از راه امام و از میراث معنوی امام در برابر رهنمان کمین‌گرفته و رستاخیز شگفت‌انگیز و به‌یادماندنی چهل روزه‌ی ایران و آن‌گاه تصویب ملی اصلاحات قانون اساسی و شرکت در انتخاب رئیس‌جمهور گزیده و تشکیل دولت و جریان یافتن همه‌ی امور کشور در عین تازگی و جاودانگی داغ رحلت امام و یاد ماندگار او، همه و همه اعتباری افزون‌تر از


حل مسأله‌ی رهبری، اعلام همگانی مردم در دفاع از راه امام و رستاخیز شگفت‌انگیز و به‌یادماندنی چهل روزه‌ی ایران همه و همه اعتباری افزون‌تر از پیش به نظام اسلامی بخشید.


پیش به ایران و ایرانی و انقلاب و نظام اسلامی بخشید. درست در آن هنگام که از حادثه‌ی ارتحال امام، نفس دنیا در سینه‌اش حبس شده و خواب از چشم دوست و دشمن در سطح جهان گرفته شده بود، ایران اسلامی نمایشی قهرمانانه داد و با عنایات خداوندی، سنگین‌ترین آزمون خود را به سرافرازی طی کرد و کشتی انقلاب از گردابی خطیر، با آرامش و اطمینان عبور کرد. و این خود آیت دیگری از شمول الطاف الهی بر ملتی شد که قدم در راه خدا نهاده و به نصرت او قیام کرده است. دوستان، یعنی توده‌های مسلمان و مستضعفان بسیاری از مناطق عالم، جانی و امیدی دوباره گرفتند و به پایه‌های نظام سلطه‌ی جهانی، ضربه‌ای دوباره - پس از ضربه‌ی آغاز پیروزی انقلاب - وارد آمد. یعنی حادثه‌ای که می‌پنداشتند انقلاب را درهم خواهد پیچید، به انقلاب اوج و حیات بخشید و امام ما - آن برافروزنده‌ی مشعل انقلاب - با رحلت خود، یک بار دیگر شعله‌ی انقلاب را برافروخته کرد. «فرحمة الله حیا و میثاً و السلام علیه یوم ولد و یوم قاد الامه و یوم ارتحل و یوم یبعث حیا».

در همه‌ی این حوادث، و با نگاهی وسیع‌تر در

حادثه‌ای که


می‌پنداشتند انقلاب را
درهم خواهد پیچید،
به انقلاب اوج و حیات
بخشید

سرگذشت یازده ساله‌ی نظام اسلامی و اساساً در پیدایش این نظام و مقدمات آن و مبارزاتی که به آن منتهی شد، صحنه‌پرداز اصلی و عامل حقیقی، همانا اسلام و عقیده و ایمان و تربیت اسلامی است. هم ملت ایران که با قیام شجاعانه‌اش در برابر نظام سلطه‌ی جهانی و برضد ابرقدرت‌های شرق و غرب، کاری عظیم و بی‌سابقه انجام داد، هم رهبر و قائد عظیم‌الشان این انقلاب که مثل کوه در برابر همه‌ی بادهای مخالف ایستاد و هجوم طوفان‌ها را شکست، اما خود کمترین تکانی نخورد؛ هم نظام نوین اسلامی که توانست کشور را بدون اندک تکیه‌ای به بیگانگان اداره کند و جنگی را که محل تلاقی نیروهای شرق و غرب بر ضد او بود و نزدیک به سه‌چهارم سالیان پس از پیروزی را فرا گرفت، بدون گرایش به هیچ طرف و فقط با تکیه بر خود، شرافتمندانه و با عزت و پیروزی به پایان بَرَد، همه و همه توان خود را از اسلام گرفته‌اند و اسلام جوهر اصلی این حوادث شگفت‌آور و مایه‌ی حقیقی قدرت و صلابت و عزتی است که ایران و ایرانی و ملت و رهبر و انقلاب و نظام ما، در تاریخ معاصر از خود بروز داده‌اند.


صحنه‌پرداز اصلی
و عامل حقیقی در نظام
اسلامی، همانا اسلام ،
عقیده، ایمان و تربیت
اسلامی است .

وادی عقب ماندگی

اسلام، دین توحید است و توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به جز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه‌ی نظام‌های بشری؛ یعنی شکستن طلسم ترس از قدرت‌های شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه بر اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان قرارداده و از او به‌کارگیری آن‌ها را همچون فریضه‌ای تخلف‌ناپذیر، طلب کرده است؛ یعنی اعتماد به وعده‌ی الهی در پیروزی مستضعفین بر ستمگران و مستکبرین به شرط قیام و مبارزه و استقامت؛ یعنی دل بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست؛ یعنی استقبال از زحمات و خطراتی که در راه تحقق وعده‌ی الهی، آدمی را تهدید می‌کند؛ یعنی مشکلات راه را به حساب خدا گذاشتن و خود را به پیروزی حتمی و نهایی امیدوار داشتن؛ یعنی در مبارزه، چشم به هدف عالی - که نجات جامعه از هرگونه ستم و تبعیض و جهل و شرک است - دوختن و عوض ناکامی‌های شخصی و میان‌راهی را نزد خدا جستن؛ و خلاصه یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف عالی، با امید و بی‌تشویش

 توحید یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف عالی، با امید و بی‌تشویش شتافتن

شتافتن. همه‌ی عزت و اعتلایی که به مسلمین وعده داده شده، در سایه‌ی چنین ایمان و درک روشن و عمیقی از توحید است. بدون فهم درست و پایبندی عقیدتی و عملی به توحید، هیچ‌کدام از وعده‌های الهی درباره‌ی مسلمانان عملی نخواهد شد.



در دوران سلطه‌ی استکبار، غفلت از توحید ناب اسلامی و مفهوم زندگی‌شمول آن بود که صحنه را برای بُت‌های استعمار باز گذارد و به خداوندان زر و زور، فرصت تاخت و تاز داد. دشمنان با نقشه‌های از پیش آماده شده، دین را در کشورهای اسلامی از صحنه‌ی زندگی راندند و شعار جدایی دین از سیاست را در این کشورها تحقق بخشیدند. نتیجه این شد که پیشرفت علمی غرب بتواند این کشورها را یکپاره به‌صورت تابعی از کشورهای صنعتی درآورد و سرنوشت سیاسی و اقتصادی آن را برای مدت‌های طولانی و جبران‌ناپذیر، به دست غارتگران غربی بدهد. امروزه غالب کشورهای اسلامی، پس از ده‌سال که جیب کمپانی‌ها و دولت‌های غربی از منابع آن‌ها پُر شده، هنوز در وادی عقب‌ماندگی سرگردانند و هنوز محتاج صنعت و علم و کالای غربی و هنوز در عالم سیاست،

عقب‌ماندگی

مسلمانان بر اثر عدم توجه به اصل بنیادین اسلام - یعنی توحید اسلامی - پیش آمده است.

طفیلی و پیرو ناگزیر آنان. این، همان خسران عظیمی است که از روز اول بر اثر عدم توجه به اصل بنیادین اسلام- یعنی توحید اسلامی- پیش آمده و هرچه زمان پیشتر رفته و علم کاملتر شده و دولت‌ها و کشورهای را مجهزتر کرده، کشورهای اسلامی ناتوان‌تر، وابسته‌تر، کم‌جرات‌تر و بی‌ابتکارتر شده‌اند.

راه علاج آن است که مسلمانان به اسلام ناب- که در آن، توحید و نفی عبودیت غیرخدا، از هر چیز برجسته‌تر و درخشنده‌تر است- برگردند و عزت و قدرت خود را در اسلام بجویند. و این چیزی است که طراحان توطئه‌های ضد اسلامی، همیشه از آن بیمناک بوده و در راه پیدایش آن، موانع جدی می‌نهادند. هنگامی که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، از آن‌جا که پیش‌بینی می‌شد که جاذبه و محبوبیت انقلاب، ملت‌های مسلمان و حتی بعضی غیرمسلمان‌ها را شیفته‌ی اسلام کند، همه‌ی دست‌های استعماری به کار افتاد، تا از نفوذ معنوی اسلام جلوگیری کند. تلاش وسیع و همه‌جانبه‌ی استکبار در برابر نفوذ اسلام، هیچ موجبی جز این ندارد که گسترش اسلام و مفاهیم اسلامی در هر نقطه‌ی جهان، به معنای جمع شدن بساط استکبار و ایادی آن


راه علاج آن است 
که مسلمانان به اسلام ناب- که در آن، توحید و نفی عبودیت غیرخدا، از هر چیز برجسته‌تر و درخشنده‌تر است- برگردند

در آن نقطه است.

احساس تشخص


همان‌طور که همه می‌دانند، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب- که معنای درست توحید و نفی عبودیت غیرخدا و عزت در برابر هر کس و هر چیز غیر خدا را در عمل و واقعیت به همه نشان داد- مسلمانان در نقاط بسیاری از جهان، احساس شخصیت و عزت نموده، در مقابل قدرتمندان و زورگویان ایستادند و سرفصل جدیدی در مبارزات ملل مسلمان به‌وجود آمد؛ از جمله حرکت عظیم مردم مسلمان در افغانستان و شروع مبارزات مردمی در سرزمین فلسطین و ایستادن مردم مسلمان و مبارز فلسطین در برابر احزاب معامله‌گر و شروع نهضت‌های اسلامی زیادی در کشورهای مسلمان آفریقایی و آسیایی و حتی در اروپا که همه بر اساس جاذبه‌ی اسلام و شوق به تحقق احکام الهی به‌وجود آمده و اسلام را رهایی‌بخش و عزت‌بخش خود می‌داند.

تا پیش از پیدایش جمهوری اسلامی، به توده‌های عظیم مسلمان عالم تفهیم شده بود که اسلام قادر نیست برای آنان عزت و عظمت بیافریند و آنان در جستجوی

 بلافاصله پس از پیروزی انقلاب مسلمانان جهان احساس شخصیت و عزت نموده و سرفصل جدیدی در مبارزات ملل مسلمان به‌وجود آمد.

سعادت باید یا به دنبال الگوی غربی و فرهنگ اروپا و آمریکا بروند و یا به سمت تئوری‌های خیالی و پوچ مارکسیسم گرایش یابند؛ اما پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران و عزت و عظمتی که تحقق اسلام به ملت ایران بخشید، همه‌ی بافته‌های دیرینه‌ی استعمارگران غربی را باطل کرد و در عمل نشان داد که اسلام می‌تواند ملتی را از ضعف و بی‌حالی و انضلام نجات بدهد و به اوج عزت و شجاعت و اعتماد به نفس برساند و هم می‌تواند نظامی استوار و قادر بر زورآزمایی با قدرت‌های مادی جهان بر آنان ببخشد و دست قدرت‌های ظالمانه و تحقیرکننده‌ی استعمار و استکبار را از سر آنان کوتاه کند. و چنین بود که جمهوری اسلامی به برکت اسلام، از پشتوانه‌ی مردمی نیرومندی در مقیاس جهانی برخوردار گشت و این به نوبه‌ی خود، بر توانایی و آسیب‌ناپذیری جمهوری اسلامی - که همه‌ی سلطه‌های بزرگ جهانی، با آن سرناسازگاری دارند - افزوده است.


آثار پیروزی ملت ایران در زورآزمایی قدرت‌های جهانی با آن، به جهان اسلام منحصر نماند؛ بلکه در کشورهای غیرمسلمان و در نظام‌هایی که قفس آهنین

با پیروزی  ملت ایران نسیم هویت اسلامی وزیدن گرفت و گلبنگ مسلمانی، خواب اهریمنان را برآشفت.


استبداد حزبی یا ستم قومی اجازه نداده بود که مسلمانان آن کشورها حتی مسلمانی خود را احساس کنند، نسیم هویت اسلامی وزیدن گرفت و ایمان‌های خفته به جوش آمد و گل‌بانگ مسلمانی، خواب اهریمنان را برآشفست: «و ترى الأرض هامدة فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت و ربّت و انبتت من كلّ زوج بهيج» (۲) پس، در ماجرای عظیم این ده‌سال گذشته، قهرمان اصلی اسلام است؛ و این رستاخیزی اسلامی است که جان‌های مرده را بیدار کرده و زمینه را برای روزی آماده می‌سازد که در پاسخ به سؤال «لمن الملك»، در بسیط زمین از چهارگوشه‌ی عالم گفته شود: «لله الواحد القهار» (۳).

در قلب میهن اسلامی

امروزه گرچه مغزهای علیل تحلیل‌گران مادّی، هنوز عاجز از فهم و تحلیل حوادث اسلامی در ده‌سال اخیر است و آنان به درستی نمی‌توانند بفهمند، که چه شد که پس از تلاش دویست‌ساله‌ی استعمار در کشورهای اسلامی و پس از هزاران شیوه‌ی موفق برای راندن اسلام از صحنه‌ی زندگی و حتی از صفحه‌ی ذهن و دل مردم در این کشورها و مهم‌تر از آن، پس از

 آنان به درستی نمی‌توانند بفهمند، که چه شد که پس از تلاش دویست‌ساله‌ی استعمار در کشورهای اسلامی برای راندن اسلام از صحنه‌ی زندگی و ذهن و دل مردم دوباره اسلام در قلب میهن اسلامی پر و بال گشوده و سایه‌ی رحمت خود را بر سرتاسر جهان اسلام گسترده است. پاسخ در یک کلمه است: معجزه‌ی انقلاب

قرن‌ها بدآموزیِ قدرت‌های استبدادی و ایادیِ آنان و پس از تحریف‌های بی‌شماری که به وسیله‌ی وعاظ السلاطین و آخوندهای درباری در دین پدید آمده و صفا و خلوص آن را مخدوش ساخته و به دارویی بی‌اثر و جسمی بی‌جان بدل کرده بود، امروز دوباره اسلام در قلب میهن اسلامی پر و بال گشوده و سایه‌ی رحمت خود را بر سرتاسر جهان اسلام گسترده و چون خورشیدی روشنگر در دل همه‌ی مسلمین تافته و به آنان روح و نشاط و امید بخشیده است؟ و چگونه اسلام که به تدریج به دست فراموشی سپرده می‌شد و هرگز هیچ امیدی را در دل جستجوگر انسان‌های دردمند و بی‌تاب بر نمی‌انگیخت، اکنون به یگانه امید روشن ملت‌های مسلمان، مخصوصاً جوانان و بیداردلان و دردمندان تبدیل یافته است؟ آری، فهم و تحلیل درست این حوادث شگفت‌آور، اگرچه برای مغزها و ذهن‌های بیگانه از حقیقتِ اسلام و بی‌خبر از سرگذشتِ واقعی اسلام ناممکن است، لیکن برای صاحبان بصیرت، پاسخ در یک کلمه است: معجزه‌ی انقلاب.

امروز دوباره  اسلام در قلب میهن اسلامی پر و بال گشوده و سایه‌ی رحمت خود را بر سرتاسر جهان اسلام گسترده است .

منجی دوران، پیرو شیوه رسول خاتم

نهضت اسلامی در ایران به رهبری منجی بزرگ دوران، حضرت امام خمینی رضوان الله علیه، به پیروی از شیوهی نبی اعظم و رسول خاتم و قله‌ی آفرینش عالم و آدم، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و اله و سلم، در قالب یک انقلاب تمام‌عیار ظاهر شد و این طبیعت انقلاب است که اگر بر پایه‌ای درست و منطقی استوار باشد، همچون آتشفشان، زلزله در تمام ارکان محیط پدید می‌آورد و همه چیز و همه‌جا و همه‌کس را از گرمی و اشتعال خود متأثر می‌سازد.

مصلحان اسلامی و متفکرانی که در یکصد و پنجاه سال گذشته، تحت تأثیر عوامل گوناگون قیام کرده و پرچم دعوت اسلامی و احیا و تفکر اسلامی را بر دوش گرفتند - از قبیل سید جمال‌الدین و محمد اقبال و دیگران - با همه‌ی خدمات ارجمند و گران‌بهایشان، همگی این نقص بزرگ را در کار خود داشتند که به‌جای برپا کردن یک انقلاب اسلامی، به یک دعوت اسلامی اکتفا کردند و اصلاح جوامع مسلمان را نه با قوت و قدرت انقلاب، که با تلاش روشنفکرانه و فقط با ابزار قلم و زبان جستجو کردند. این شیوه، البته

مصلحان اسلامی

و متفکرانی که در یکصد و پنجاه سال گذشته قیام کرده، همگی این نقص بزرگ را در کار خود داشتند که به‌جای برپا کردن یک انقلاب اسلامی، به یک دعوت اسلامی اکتفا کردند.

ممدوح و مأجور بوده و هست؛ اما هرگز از آن، توقع نتایج همچون نتیجه‌ی عمل پیامبران اولوالعزم را- که سازندگان مقاطع اصلی تاریخ بوده‌اند- نباید داشت. کار آنان، در صورت صحت و مبرّاً ماندن از عیوب سیاسی و نفسانی، تنها می‌توانست زمینه‌ساز یک حرکت انقلابی باشد و نه بیشتر؛ و لذا مشاهده می‌شود که سعی و تلاش بی‌حد و حصر مخلصان این گروه، هرگز نتوانسته حرکت معکوس و رو به انحطاط ملل مسلمان را متوقف کند، یا عزت و عظمتی را که آنان از آن نام می‌آورده و در آرزویش آه و اشک می‌افشانده‌اند، به مسلمانان برگرداند و یا حتّی اعتقاد و باور اسلامی را در توده‌های مردم مسلمان تقویت کرده و نیروی آنان را در خدمت آن به‌کار گیرد و یا دامنه‌ی جغرافیایی اسلام را گسترش دهد. این، به‌کلی از روش پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلیّ الله علیه و اله و سلّم جدا است و این بر هر کس که اندکی تاریخ بعثت و هجرت رسول معظم (ص) را بداند، آشکار است.

امام ما برای حیات دوباره‌ی اسلام، درست همان راهی را پیمود که رسول معظم صلیّ الله علیه و اله و سلّم پیموده بود.


امام ما برای
حیات دوباره‌ی اسلام،
درست همان راهی را
پیمود که رسول معظم
صلیّ الله علیه و اله و
سلّم پیموده بود.

سَلَم پیموده بود؛ یعنی راه انقلاب را. در انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدفدار، سنجیده، پیوسته، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص. در انقلاب، به گفتن و نوشتن و تبیین اکتفا نمی‌شود؛ بلکه پیمودن و سنگر به سنگر پیش رفتن و خود را به هدف رساندن، اصل و محور قرار می‌گیرد. گفتن و نوشتن هم در خدمت همین حرکت در می‌آید و تا رسیدن به هدف - یعنی حاکمیت بخشیدن به دین خدا و متلاشی ساختن قدرت شیطانی طاغوت - ادامه می‌یابد: «هو الذی أُرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه ولو کره المشرکون» (۴).

انقلاب اسلامی، منطبق بر حرکت اسلامی

در انقلاب اسلامی ایران، چند خصوصیت مهم وجود داشت که همه منطبق بر حرکت اسلامی صدر اول بود:


نخست، هدف‌گیری سیاسی؛ یعنی اراده‌ی قاطع بر حاکمیت دین خدا و این‌که قدرت از دست شیطان‌های ظالم و فاسد گرفته شود و حاکمیت و قدرت سیاسی جامعه بر اساس ارزش‌های اسلامی شکل گیرد.

 در انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدفدار ، سنجیده ، پیوسته، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص.

دوم آن‌که برای تحقق این هدف، از توده‌های مؤمن و آگاه و دردمند و فداکار- و نه از احزاب و گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی- نیروی انسانی لازم گرفته شد و رهبر حکیم، نصرت را پس از توکل به خدا، از نیروی لایزال مردم جستجو کرد و در سایه‌ی مجاهدت پانزده ساله، جنود رحمان را از بندگان خدا به‌وجود آورد و در راه خدا به حرکت درآورد: «هو الذی أیدک بنصره و بالمؤمنین» (۵).

سوم آن‌که خطوط اصلی جامعه‌ی مطلوب، یعنی استقرار شریعت اسلامی که متضمن عدل اجتماعی و استقلال سیاسی و استغنائی اقتصادی و رشد علمی و اخلاقی است، در منظر همگان قرار گرفت و شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» که به معنای تبدیل واقعی و همه‌جانبه‌ی بنیان‌های زندگی جاهلی به بنیان‌های اسلامی است، مطرح گردید.


چهارم آن‌که رهبر حکیم و فقیه که عبد صالح و الگوی مسلمانی بود، خود پیشاهنگ این حرکت در ایمان و عمل شد و این ایمان، جان او را چنان لبریز کرده بود که توانست دل‌های بی‌ایمان و ظرف‌های تهی را از فیضان ایمان خود در صحنه‌ی عمل، لبریز و سیراب کند و فروغ

 **خطوط اصلی**
جامعه‌ی مطلوب، استقرار
شریعت اسلامی که
متضمن عدل اجتماعی
و استقلال سیاسی و
استغنائی اقتصادی و
رشد علمی و اخلاقی
است.

ایمان و امید او، دیوارهای قطور یأس و بی‌ایمانی را بشکافد و فضای مبارزه و عمل را پُر کند: «امن الرسول بما انزل إليه من ربه» (۶).

پنجم آن‌که صدق و صفا و هوشیاری رهبر، هرگونه کج‌روی و سازش و معامله با دشمن را و خلاصه هر آن چیزی را که موجب انحراف از هدف شود، ناممکن ساخت و صراط مستقیم انقلاب به سمت هدف‌ها، استوار و بی‌اعوجاج باقی ماند.

این، آن چیزی بود که در ایران اتفاق افتاد و رهبری که با تقوا و صدق عمل، توانسته بود تأیید و هدایت الهی را جلب کند، حرکت خود را شروع کرد و در ظرف پانزده سال مجاهدت و تلاش مستمر، توانست توده‌های عظیم مردم را به تدریج در خدمت هدف - که همان حکومت اسلامی، تشکیل نظام اسلامی و اجرای احکام اسلامی بود - به حرکت درآورد و حکومت طاغوتی و فاسد و وابسته‌ی حاکم بر ایران را که از سوی قدرت‌های استکباری و غارتگر ثروت‌های کشور ما حمایت هم می‌شد، ساقط کرد و در ظرف یازده سال پس از پیروزی، با مجموعه‌ی پیچیده و بی‌نظیری از




صدق و صفا و هوشیاری رهبر، هرگونه کج‌روی و سازش و معامله با دشمن را و خلاصه هر آن چیزی را که موجب انحراف از هدف شود، ناممکن ساخت.

توطئه و خصومت و خیانت و تهاجم و تحریم و حمله‌ی نظامی و غوغای تبلیغاتی و غیره دست و پنجه نرم کرد و از این مصاف تاریخی، مظفر و منصور بیرون آمد و اکنون نظام جمهوری اسلامی که محصول تلاش عظیم امام و امت است، در اوج اقتداری که ناشی از مقاومت و سرسختی در برابر زورگویان و استغناء از غارتگران است، چشم دوست و دشمن را به خود جلب و دل‌های مستضعفان و زجردیدگانِ همه‌ی مناطق عالم را مجذوب کرده است.


راز بزرگ اعتلای مسلمین

آری، راز بزرگ در اعتلای امروزین اسلام و بیداری عمومی مسلمین، این بود که در کانون این حرکت - یعنی ایران اسلامی - مولود مبارک انقلاب بار دیگر از شجره‌ی طیبه‌ی اسلام به‌وجود آمد و محصول آن - یعنی جمهوری اسلامی - با بنیه‌ی مستحکمی که از ایمان اسلامی رهبر و ملت یافته بود، در راه و جهت درست پایدار ماند و وسوسه‌ی شیطان‌ها و تیغ خشم و کین آنان بر او کارگر نشد و با مظلومیتی قدرتمندانه و سرافراز، چهره‌ی منور خود را در برابر چشم جهانیان

 راز بزرگ
در اعتلای امروزین
اسلام و بیداری عمومی
مسلمین، این بود که
در کانون این حرکت -
یعنی ایران اسلامی -
مولود مبارک انقلاب بار
دیگر از شجره‌ی طیبه‌ی
اسلام به‌وجود آمد

قرارداد و با وجود و بقا و استقامت و صلابت خود، مبلغ اسلام شد.


طبیعت اسلام ناب، طبیعتی پُر جاذبه است و دل‌هایی را که آلوده‌ی غرض‌ورزی و کینه‌توزی نباشد، به خود جلب می‌کند و این همان است که انقلاب ما و امام ما، دوباره در جهان مطرح کردند و بر دل‌ها و چشم‌های نیازمند و جستجوگر عرضه داشتند. در مدرسه‌ی انقلاب که امام ما بنیان گذارد، بساط اسلام سفیانی و مروانی، اسلام مراسم و مناسک میان‌تهی، اسلام در خدمت زر و زور و خلاصه اسلام آلت دست قدرت‌ها و آفت جان ملت‌ها برچیده شده و اسلام قرآنی و محمدی صلی‌الله علیه و اله و سلم، اسلام عقیده و جهاد، اسلام خصم ظالم و عون مظلوم، اسلام ستیزنده با فرعون‌ها و قارون‌ها و خلاصه، اسلام کوبنده‌ی جباران و برپاکنده‌ی حکومت مستضعفان، سر برکشیده است. در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین

در مدرسه‌ی انقلاب  که امام ما بنیان گذارد، بساط اسلام سفیانی و مروانی، اسلام مراسم و مناسک میان‌تهی، اسلام در خدمت زر و زور و خلاصه اسلام آلت دست قدرت‌ها و آفت جان ملت‌ها برچیده شده است.



اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی‌بندوباری و بی‌تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی‌حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی‌خاصیت؛ اسلام نجات‌بخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه‌ی دست قدرت‌ها؛ و خلاصه اسلام ناب محمدی صلی‌الله علیه و اله و سلم، جایگزین اسلام امریکایی گردید؛ و مطرح شدن اسلام بدین صورت و با این واقعیت و جدیت است که موجب خشم سراسیمه و دیوانه‌وار کسانی شده است که دل به زوال اسلام در ایران و در همه‌ی کشورهای اسلامی بسته بودند و یا از اسلام، فقط نامی بی‌محتوا و وسیله‌ای برای تحمیق و اغفال مردم را می‌پسندیدند؛ و لذا از روز اول پیروزی انقلاب تا امروز، هیچ فرصتی را برای تهاجم و ضربه زدن و توطئه و بدخواهی نسبت به جمهوری اسلامی و کانون حرکت جهانی اسلام - یعنی ایران - از دست نداده‌اند.

بصیرت در دشمن‌شناسی

ملت ایران به‌خوبی دانسته است که نقطه‌ی قوت و

 در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت خلاصه اسلام ناب محمدی جایگزین اسلام امریکایی گردید.


پایداری او، درست همان است که دشمن همه‌ی نیروی خود را در مقابله با آن مصروف می‌کند؛ یعنی توکل به خدا و تمسک به اصول اساسی انقلاب که همه از مبانی اسلام سرچشمه گرفته و در کلمات رهبر کبیر انقلاب رضوان‌الله علیه بر آن تأکید شده است. خشم و غیظ عنادآمیزی که در به‌کاربردن واژه‌ی «بنیادگرایی» در اظهارات خصمانه‌ی رسانه‌های دشمن، از اول انقلاب تا امروز محسوس است، ناشی از درماندگی و سراسیمگی آنان در برابر پابندی رهبر و ملت و نظام ما به اصول اساسی انقلاب است.


 **خشم و غیظ عناد**
آمیزی که در به‌کاربردن واژه‌ی « بنیادگرایی » در اظهارات خصمانه‌ی رسانه های دشمن، از اول انقلاب تا امروز محسوس است، ناشی از درماندگی و سراسیمگی آنان در برابر پابندی رهبر و ملت و نظام ما به اصول اساسی انقلاب است.


چه‌قدر ساده‌لوح و سطحی‌اند کسانی که گمان می‌کنند دشمنی آمریکا و جبهه‌ی استکبار و دار و دسته‌ی وسیع صهیونیستی که اکثر خبرگزاری‌ها و رسانه‌های خبری و تبلیغی جهان را در اختیار دارند، ناشی از آن است که جمهوری اسلامی، به‌موقع تلاش لازم را برای کسب دوستان انجام نداده و یا در مسائل جهانی دچار تندروری شده است. این گمان، حاکی از عدم تعمق در حوادث و جریانات داخلی و جهانی و عدم بصیرت در دشمن‌شناسی است.

ابرقدرت‌ها که دشمنان سوگندخورده‌ی انقلاب اسلامی‌اند، هرگز علت دشمنی خود با جمهوری اسلامی را به صراحت بیان نکرده‌اند و نخواهند کرد. اگر امریکا اعتراف کند که انگیزه‌ی دشمنی او با ایران، دشمنی با اسلام است، یک میلیارد مسلمان جهان را در برابر خود قرار خواهد داد و اگر اعتراف کند که انگیزه‌ی او از این دشمنی آن است که ایران اسلامی خواسته است مستقل و آزاد و به دور از دخالت امریکا زندگی کند، همه‌ی آزادگان و آزادی‌خواهان عالم را در برابر خود قرار خواهد داد و اگر اعتراف کند که دلیل خصومت خباثت‌آمیزش با ایران و مسدود کردن اموال ایران و توطئه‌ی دایمی‌اش نسبت به جمهوری اسلامی آن است که انقلاب ایران، دست او را از منابع غنی این کشور قطع کرده و جلو ادامه‌ی غارت اقتصادی ملت را که از سوی رژیم خائن پهلوی، سخاوتمندانه به امریکایی‌ها واگذار شده بود، گرفته است، همه‌ی ملت‌های مظلوم جهان و ستمدیدگان غارت‌های استعماری، در کنار ملت ایران قرار گرفته و به مبارزه‌ی با امریکا خواهند پیوست.


بنابراین، بسیار طبیعی و بدیهی است که امریکا و دیگر دولت‌های جبهه‌ی استکبار و همه‌ی دار و دسته‌ی خبری

 اگر آمریکا اعتراف کند که انگیزه‌ی او از این دشمنی آن است که ایران اسلامی خواسته است مستقل و آزاد و به دور از دخالت امریکا زندگی کند، همه‌ی آزادگان و آزادی‌خواهان عالم را در برابر خود قرار خواهد داد.

و تبلیغی و رسانه‌های دست‌نشاندهی آنان ناگزیر باشند که تمام هم خود را به تحریف حقایق ایران و انحراف افکار عمومی جهان مصروف بکنند، و گاه به نام حقوق بشر و گاه با تهمت نقض آزادی و گاه به دشنام ارتجاع و واپسگرایی و امثال آن، ملت شجاع و آگاه و آزاده‌ی ایران و نظام مترقی و انقلابی جمهوری اسلامی و مسئولان صالح و لایق آن را مورد اتهام قرار دهند و نفرت عمومی ملت ایران از سلطه‌گران مستکبر و خبیث، مخصوصاً شیطان بزرگ را بدین‌گونه تلافی کنند.


راه حفظ انقلاب 

اگرچه تجربه‌ی یازده‌ساله‌ی جمهوری اسلامی ثابت کرده است که استکبار و ارتجاع و ایادی آنان، در این ترفند نیز موفقیتی کسب نکرده و نتوانسته‌اند نام نیک و چهره‌ی روشن ملت بزرگوار ما را با این‌گونه تلاش‌ها در جهان و به‌خصوص در میان توده‌های مستضعف عالم مخدوش سازند و سرمایه‌گذاری گزاف آنان در استخدام قلم‌ها و زبان‌های مزدور و به‌کار افکندن صدها رسانه‌ی صوتی و تصویری و مطبوعاتی برای منزوی یا منفعل یا بد نام کردن انقلاب اسلامی، دچار

 جمهوری اسلامی
ثابت کرده است که
استکبار و ارتجاع و ایادی
آنان ، هیچ موفقیتی
کسب نکرده‌اند و
نتوانسته‌اند نام نیک
ملت ما را مخدوش
سازند .

خسران شده است و هم‌اکنون علی‌رغم خواستِ آنان در بسیاری از مناطق عالم، ملت‌ها با الگو ساختن حرکت نجات‌بخش ملت ایران، به مبارزات مردمی با سلطه‌های شیطانی روی آورده و خواب از چشم ستمگران ربوده‌اند و قشرهای بیدار مسلمان در همه‌جا به‌خوبی تشخیص داده‌اند که علت دشمنی رأس استکبار - یعنی امریکا - و ایادی آن با ملت ایران، دشمنی آنان با اسلام است: «و ما نقموا منهم إلا أن يؤمنوا بالله العزيز الحميد» (۷).

ولی ملت ایران باید بدانند که حفظ انقلاب و برپا نگاهداشتن پرچم عزت و شرف و ادامه‌ی راه پُرافتخاری که مجاهدات این ملت شریف در برابر ملت‌های جهان، مخصوصاً مسلمانان گشود و به عنوان تنها راه غلبه بر فشار و ظلم قلدران شناخته شد، و تنها باطل‌الاسحر توطئه‌های دشمنان بر علیه انقلاب و جمهوری اسلامی، همانا حراست از اصول بنیانی انقلاب و پاسداری از ارزش‌های انقلاب است. این، آن نقطه‌ی روشنی است که شعار ضدیت با سلطه‌ی جهانی استکبار را عالمگیر ساخته و ارکان نظام سلطه‌ی جهانی را متزلزل کرده است و همین است که از این پس نیز ملت ایران را بر همه‌ی توطئه‌های دشمنان فایق خواهد ساخت؛ و این


 ولی ملت ایران باید بدانند که حفظ انقلاب و برپا نگاهداشتن پرچم عزت و شرف و ادامه‌ی راه مجاهدت تنها راه غلبه بر فشار و ظلم قلدران شناخته شد.

همان وصیت جاودانی است که امام راحل عظیم‌القدر
أعلى الله كلمته در بیانیه‌ها و اخیراً در وصیتنامه‌ی خود،
همه‌ی ما را بدان توصیه فرموده است.

اساسی‌ترین معارف انقلاب




اکنون، یک سال پس از رحلت آن پدر دلسوز و مرشد
و معلم آگاه و حکیم، این‌جانب لازم می‌دانم اساسی‌ترین
معارف انقلاب را که همه در شمار بینات مکتب انقلاب و
برخاسته از اصول و احکام اسلام است، یک‌بار دیگر به
برادران و خواهران خود تذکر داده، همه‌ی ملت انقلابی
و شجاعان را به توجه و اهتمام روزافزون نسبت به
آن‌ها دعوت کنم:

زنده 
داشتن یاد و راه امام
که مشعل راه و ترسیم
کننده‌ی خط اساسی
حرکت و تعیین‌کننده‌ی
شاخص‌های اصلی و
حیاتی این جاده‌ی مبارک
و فرجام‌تابناک آن است.

۱) پیش از هر چیز، زنده داشتن یاد و راه و درس
جاودانه‌ی امام خمینی أعلى الله كلمته است، که مشعل
راه و ترسیم‌کننده‌ی خط اساسی حرکت و تعیین‌کننده‌ی
شاخص‌های اصلی و حیاتی این جاده‌ی مبارک و فرجام
تابناک آن است. حیات و شخصیت خمینی کبیر، تجسم
اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و اله و سلم و تبلور
انقلاب اسلامی بوده و او خود و سخنش و انگشت

اشاره‌اش، خضر راه این حرکت الهی و روشنگر نقاط مبهم و برطرف کننده‌ی همه‌ی تردیدها بوده و همچنان خواهد بود. ملت ایران و از همه بیشتر مسئولان کشور، باید این درس بزرگ را هرگز از یاد نبرند.


۲) این نهضت مردمی و انقلاب بی‌نظیری که در منتهای مبارزات پانزده ساله‌ی آن پدید آمد و حماسه‌ی عظیمی که در عمر یازده ساله‌ی این نظام به ظهور رسید و شهادت نفوس طیبه و تحمل آن‌همه دشواری‌ها و شکنجه‌ها و مصیبت‌ها از سوی ملت مؤمن و مبارز ما، همه و همه به‌خاطر اسلام بود. این ملت بزرگ و امام بزرگوارش، سعادت را در پیروی حقیقی از اسلام دانستند و حاکمیت اسلام را وسیله‌ی نجات از سلطه‌ی شیطان‌ها و طاغوت‌ها و ستمگران دیدند و رضای خدا را در پیگیری از حاکمیت اسلام جستجو کردند. ملت‌های مسلمان و مخلصان دلسوز در سراسر جهان اسلام نیز به‌خاطر اسلام بوده و هست که این انقلاب و این نظام را متعلق به خود دانسته و از آن حمایت و دفاع کردند و می‌کنند. از این رو، جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین وظیفه‌اش آن است که اسلام را در زندگی مردم تحقق

 جمهوری اسلامی
بزرگ‌ترین وظیفه‌اش
آن است که اسلام را
در زندگی مردم تحقق
بخشد و جامعه را
به‌صورت یک جامعه‌ی
نمونه‌ی اسلامی درآورد.

بخشد و جامعه را به صورت یک جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی درآورد.

برای عملی شدن این هدف- که گام‌های اساسی و بلند آن، از آغاز پیروزی به وسیله‌ی همه‌ی دست‌اندرکاران و با اشراف و اهتمام شدید امام رضوان‌الله علیه برداشته شده- باید قوای سه‌گانه‌ی کشور هماهنگ و پیگیر عمل کنند و حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی و پژوهشی اسلامی، به تلاش وسیع دست زنند و سرچشمه‌ی پایان‌ناپذیر تفقه و اجتهاد آگاهانه و بصیر را در خدمت عمق و گسترش معارف اسلامی به‌کار گیرند و دستگاه فکری و عملی نظام جمهوری اسلامی، با هم و در کنار هم، جامعه را در راه اسلامی شدن روزافزون و به سمت هدف‌های اسلامی پیش ببرند.

تمامی آحاد ملت مسلمان، در حفظ و حراست از احکام نورانی آن و سعی در گسترش و تعمیق آن در جامعه، دارای وظیفه‌ای بزرگند. امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپا داشتن همه‌ی فرایض اسلامی است، باید در جامعه‌ی ما احیا شود و هر فردی از آحاد مردم، خود را در گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد،




باید قوای سه‌گانه‌ی کشور هماهنگ و پیگیر عمل کنند و حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی و پژوهشی اسلامی، به تلاش وسیع دست زنند و سرچشمه‌ی پایان‌ناپذیر تفقه و اجتهاد آگاهانه و بصیر را در خدمت عمق و گسترش معارف اسلامی به‌کار گیرند.


مسئول احساس کند.

ما هنوز تا یک جامعه‌ی کاملاً اسلامی که نیک‌بختی دنیا و آخرت مردم را به‌طور کامل تأمین کند و تباهی و کج‌روی و ظلم و انحطاط را ریشه‌کن سازد، فاصله‌ی زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسئولان طی شود و پیمودن آن، با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد. مساجد به عنوان پایگاه‌های معنویت و تزکیه و هدایت، روزبه‌روز گرم‌تر و پُرواق‌تر شود و نشان ایمان و عمل و اخلاق اسلامی، در گوشه و کنار جامعه، از جمله در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاه‌ها، همه را به پیروی از تعالیم نورانی قرآن تشویق نماید. کتاب خدا در میان مردم حضور واقعی بیابد و آموختن و تدبیر و تعمق در آن، برای همه، به‌خصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج و دایر گردد. در این مورد، مسئولیت علما و آگاهان و نویسندگان و گویندگان و رسانه‌های عمومی، بسی مهم و خطیر است.

۳) فوریت‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا

 فوریت‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است.

و نزول کتاب و میزان الهی، برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه‌ی قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل آیند. دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص، بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی هرچند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا، و محرومین، در سرلوحه‌ی برنامه‌های آن نباشد، غیراسلامی و منافقانه است؛ و از همین جاست که ادعای سلاطین و حکامی که با وجود داعیه‌ی مسلمانی و شعار پیروی از قرآن، راه دیگر جباران را پیموده و فاصله‌ی فقیر و غنی را بیشتر کرده و خود در صف اغنیا قرار گرفته و از درد فقرا و پابرهنگان غافل مانده‌اند، چه در تاریخ و چه در زمان حاضر، همواره از سوی هوشمندان آشنا به معارف قرآن و اسلام، مردود دانسته شده است.

 دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص، بلکه غلط و دروغ است.

در نظام اسلامی باید همه‌ی افراد جامعه، در برابر قانون و در استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی، یکسان و در بهره‌مندی از مواهب حیات، متعادل باشند. هیچ صاحب قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ‌کس

تواند برخلاف قانون، میل و اراده‌ی خود را به دیگران تحمیل کند. طبقات محروم و پابرهنگان جامعه، مورد عنایت خاص حکومت باشند و رفع محرومیت و دفاع از آنان در برابر قدرتمندان، وظیفه‌ی بزرگ دولت و دستگاه قضایی محسوب شود. هیچ‌کس به خاطر تمکن مالی، قدرت آن را نیابد که در امور سیاسی کشور و در مدیریت جامعه دخالت و نفوذ کند و هیچ تدبیر و حرکتی در جامعه، به افزایش شکاف میان فقرا و اغنیا نینجامد. پابرهنگان، حکومت اسلامی را پشتیبان و حامی خود حس کنند و برنامه‌های آن را در جهت رفاه و رفع محرومیت خود بیابند.

امام بزرگوار ما، این را یکی از اساسی‌ترین مسائل جمهوری اسلامی دانسته و قوی‌ترین بیانات را در این‌باره ایراد نموده‌اند و این، خصوصیت غیرقابل تفکیک جمهوری اسلامی است. هیچ حایلی نباید بتواند مسئولین نظام و مدیران بخش‌های مختلف آن را از این هدف اساسی غافل کند. پابرهنگان و کوخ‌نشینان و اکثریت مردم ما که بر اثر سیاست‌های خائنانه و خانه‌برانداز رژیم ستمشاهی، در فقر و محرومیت به‌سر می‌برند، همواره صادق‌ترین و با اخلاص‌ترین یاوران

پابرهنگان ،
حکومت اسلامی را
پشتیبان و حامی خود
حس کنند و برنامه‌های
آن را در جهت رفاه
و رفع محرومیت خود
بیابند.

این انقلاب و این نظام بوده‌اند و هستند و نظام اسلامی باید رفع محرومیت از آنان را در صدر برنامه‌های سازنده‌ی خود قرار دهد.

۴) وحدت کلمه، رمز پیروزی ملت ایران در مراحل مختلف بوده و امروزه نیز مهم‌ترین وسیله‌ی ملت ما برای مقابله با تحریک‌ها و توطئه‌هاست. با توجه به سرگذشت دوران ده‌ساله و تأمل در حوادث آن، که حاکی از آسیب‌ناپذیری جمهوری اسلامی در برابر انواع توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی است، اهمیت وحدت و یکپارچگی ملت و مسئولان بیشتر آشکار می‌شود.


ملت ایران و مدیران و گردانندگان کشور، باید بر گرد اصول اساسی نظام جمهوری اسلامی مجتمع گشته و همه‌ی توان و نیروی خود را برای تحقق و حراست از آن متمرکز کنند و هیچ خواسته و شعار و هیچ انگیزه‌ی فردی و گروهی و قومی و فرقه‌ای نتواند فرد و یا جمعی را از تلاش برای آن اصول و رسیدن به هدف‌های نظام جمهوری اسلامی باز دارد.

همه‌ی ملت رشید ایران، مخصوصاً آنان که سخن و


ملت ایران و
مدیران و گردانندگان
کشور، باید بر گرد
اصول اساسی نظام
جمهوری اسلامی مجتمع
گشته و همه‌ی توان
و نیروی خود را برای
تحقق و حراست از آن
متمرکز کنند.

عملشان در معرض قضاوت و توجه دیگران است، باید صفوف خود را متحد و مرصوص ساخته، با وحدت و همکاری و با گام‌های استوار، به سوی اهداف عالی‌هی اسلام، قدرتمندانه حرکت کنند و دشمنان کمین‌گرفته را که مترصد فرصتند، مأیوس سازند.

رسانه‌های خبری بیگانه که مظهر تمایلات و سیاست‌ها و نیات خصمانه و اغراض خبیث سردمداران سیاست‌های جهانی‌اند، بر روی هر کلمه و هر اشاره‌ای که از آن، بوی اختلاف و دودستگی استشمام شود و یا بتوان چنین وانمود کرد، شدیداً حساسیت نشان داده و با بزرگ کردن نکته‌های ریز و مطرح ساختن استنباط‌های دروغین از گفته‌ها و نوشته‌ها در ایران، به‌طور دایم در تلاشند که شاید بتوانند تصویری مشوّش و آلوده به اختلافات و زد و خورد داخلی از ایران اسلامی - که بحمدالله برخوردار از وحدت و یکپارچگی کم‌نظیری است - به مردم ایران و جهان ارایه دهند و زمینه‌ی دو دستی و نفاق را با این وسوسه‌ها به‌وجود آورند. این‌ها همه نشانه‌ی آن است که امروزه دشمن از همه‌ی راه‌ها برای تضعیف جمهوری اسلامی عاجز مانده و بدخواهانه در کمین اختلافات داخلی و شکست وحدت

 رسانه‌های خبری بیگانه، بر روی هر کلمه و هر اشاره‌ای که از آن، بوی اختلاف و دودستگی استشمام شود و یا بتوان چنین وانمود کرد، شدیداً حساسیت نشان می‌دهند.


عمومی نشسته است.

ملت رشید ایران و مسئولان و متصدیان امور کشور و نمایندگان محترم مجلس، گویندگان و نویسندگان، باید مانند همیشه به این طمع خام دشمن پاسخ مناسب را بدهند و وحدتی را که صنع الهی و رحمت شامله‌ی حق بر ملت ایران است، با همه‌ی وجود پاسداری کنند.

۵) حفظ عزت و کرامت انقلابی جمهوری اسلامی و ملت ایران در مناسبات بین‌المللی یکی دیگر از نقاط اصلی است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولی ژرف در ارتباطات بین‌المللی از دو نظر به‌وجود آورد:

اول این‌که هیمنه‌ی دو ابرقدرت آن روز دنیا را در رابطه‌شان با دولت‌های ضعیف جهان، شکستی سخت داد و ابهتی را که به مرور در چشم ملت‌ها و دولت‌ها به‌دست آورده بودند، به‌شدت تضعیف کرد.


دوم آن‌که به ملت‌ها دلگرمی و شجاعت بخشید و جرأت و گستاخی در مقابله با دولت‌های دست‌نشانده را به آنان تزریق کرد. گرچه این تأثیرات عمیق، به‌تدریج در جهان ظاهر شد و امروز پس از یازده سال، چهره‌ی



همه باید مانند همیشه به این طمع خام دشمن پاسخ مناسب را بدهند و وحدتی را که صنع الهی و رحمت شامله‌ی حق بر ملت ایران است، با همه‌ی وجود پاسداری کنند.

سیاسی عالم را دگرگون کرده است اما همه‌ی چشم‌های تیزبین، از همان آغاز تشخیص دادند که با پیروزی این انقلاب عظیم، عصر جدیدی در مناسبات عالم پدید آمده است. این عصر را باید «عصر امام خمینی» نامید و ویژگی آن، عبارت است از بیداری و جرأت و اعتماد به نفس ملت‌ها در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها و شکستن بت‌های قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسان‌ها و سر برآوردن ارزش‌های معنوی و الهی.


امروز که با دفن مارکسیسم و تلاشی بلوک شرق و قیام‌های مردمی برضد حکومت‌های استبدادی کمونیست، پیش‌بینی‌های امام بزرگوار تحقق یافته و یکی از دو ابرقدرت از صحنه‌ی سیاست عالم حذف و به قدرت درجه‌ی دوم تبدیل گردیده و ابرقدرت دیگر هم از سویی با اوج‌گیری مقاومت‌های مردمی در بسیاری از نقاط عالم، از جنوب و شمال آفریقا و فلسطین اشغالی تا اقصا نقاط شرق آسیا و از سوی دیگر، با گسترش روزافزون فساد و بی‌ایمانی و بی‌بند و باری، خلأ معنویت و تفکر مکتبی در داخل جامعه‌ی امریکایی و گسسته شدن رشته‌ی «مبارزه با کمونیسم» که همواره سردمداران امریکا می‌خواستند با آن، خلأ

این عصر را  باید «عصر امام خمینی» نامید و ویژگی آن، عبارت است از بیداری و جرأت و اعتماد به نفس ملت‌ها در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها و شکستن بت‌های قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسان‌ها و سر برآوردن ارزش‌های معنوی و الهی.


یک عقیده‌ی وحدت‌بخش را در میان ملت خود پُر کنند و نیز از سوی دیگر، برهم ریختن محاسباتی که بر روابط اروپا و امریکا حاکم بود، موجب نفوذ دولت امریکا حتی بر کشورهای اروپایی می‌شد، به‌شدت احساس خطر می‌کند و موقعیت خود را در جهان متزلزل می‌بیند.

برای حفظ این روندِ روبه‌اشتعال و تقویت روحیه‌ی ملت‌های اصیل و مظلوم، جمهوری اسلامی موظف است کوچک‌ترین تغییری در چهره‌ی باصلابت و موضع باعزت خود در مناسبات بین‌المللی ایجاد نکند؛ با قلدان، از موضع قدرت و با دولت‌های ضعیف، از موضع حمایت و با ملت‌های به‌پاخاسته، از موضع رعایت و هدایت سخن بگوید و عمل کند؛ دولت امریکا را به مثابه‌ی رأس فتنه و استکبار و رمز‌گذاری و شیطنت و به خاطر ستمش به کشورهای ضعیف و حمایتش از صهیونیسم غاصب و دشمنیش با بیداری و آزادی ملت‌ها و خصومت عمیق و جنایت‌بارش با ملت ایران، محکوم و منفور و مطرود دانسته، هیچ فرصتی را برای افشای چهره‌ی تزویرآلود و رسوا کردن آن مدعیان آزادی و غیره و بیان این حقایق از دست ندهد.

مسأله‌ی فلسطین، مسأله‌ی اول بین‌الملل اسلامی

 برای حفظ این روندِ روبه‌اشتعال و تقویت روحیه‌ی ملت‌های اصیل و مظلوم، جمهوری اسلامی موظف است کوچک‌ترین تغییری در چهره‌ی باصلابت و موضع باعزت خود در مناسبات بین‌المللی ایجاد نکند.


است. امروز که مبارزات ملت فلسطین در زیر پرچم اسلام، خواب از چشم دولت غاصب صهیونیست و حامیانش ربوده است، بزرگ‌ترین وظیفه‌ی ملت و دولت ما و همه‌ی ملت‌ها و دولت‌های مسلمان، حمایت از این مبارزات است. غده‌ی سرطانی اسرائیل را تنها از طریق همین مبارزات می‌توان ریشه‌کن ساخت و جهان اسلام را از خطرات مهلک آن نجات داد. سکوت و سازش خیانت‌آلود بسیاری از دولت‌های عربی و حتی تظاهر بعضی از آنان به بی‌تفاوتی و عدم حساسیت نسبت به سرنوشت فلسطین، کار را به جایی رسانده است که دولت غاصب صهیونیست، پس از سال‌ها کتمان و حتی انکار، اکنون دوباره داعیه‌ی اسرائیل بزرگ را علناً بر زبان می‌آورد و با بی‌شرمی و وقاحت، نیت پلید غصب سرزمین‌های جدیدی از میهن اسلامی را تکرار می‌کند. بعضی از پادشاهان و رؤسای عرب، به‌خاطر جلب نظر معبودشان امریکا، حتی انگیزه‌های عربی و عرق قومیت را که دایماً از آن دم می‌زنند، در برابر اسرائیل به فراموشی می‌سپارند و به جای آن، میدان مسابقه با اسرائیل در گرفتن کمک از امریکا را هرچه بیشتر گرم می‌کنند. این داغ ننگ را چه کسی از پیشانی ملت

 امروز که مبارزات ملت فلسطین در زیر پرچم اسلام، خواب از چشم دولت غاصب صهیونیست و حامیانش ربوده است، بزرگ‌ترین وظیفه‌ی ملت و دولت ما و همه‌ی ملت‌ها و دولت‌های مسلمان، حمایت از این مبارزات است.

عرب خواهد زدود؟ و آیا جوانان مسلمان بیدار در کشورهای عربی، این خیانت را بر خود فروختگان خواهند بخشید؟!


در نظر این زمامداران خائن، قومیت و وحدت عربی، فقط هنگامی باید مورد استفاده قرار گیرد که امریکا بخواهد از آن در برابر ایران اسلامی و اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و اله بهره‌برداری کند. اُف بر وجدان‌های خفته و دل‌های ناپاکی که لطف و عنایت امریکا را به قیمت از دست دادن همه چیز، هم ثروت‌های خداداد طبیعی، هم شأن و کرامت انسانی و ایمان اسلامی و آبرو و اعتبار و تشخیص ملت خود طلب کردند و با کفران نعمت‌های خدا، خود و ملت‌هایشان را در سراشیب انحطاط و ابتلا به غضب الهی دچار ساختند. «ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً و أحلوا قومهم دارالبوار جهنم یصلونها و بئس القرار» (۸)

چه شد آن شور و هیجانی که در برابر اسرائیل غاصب ابراز می‌شد؟ و چه شد تعهدی که رؤسای عرب با ملت‌های خود درباره‌ی مبارزه با اسرائیل بستند؟ لعنت خدا و بندگان صالحش بر آن دستی که اولین معاهده‌ی سازش با اسرائیل را امضاء کرد و زندگی

 لعنت خدا و بندگان صالحش بر آن دستی که اولین معاهده‌ی سازش با اسرائیل را امضاء کرد .


سیاه دنیوی و سرنوشت اخروی خود را با فرعون قرین ساخت؛ و نفرین بندگان صالح و فرشتگان و انبیا و اولیا بر آنان که آن راه را ادامه داده‌اند و می‌دهند؛ مخصوصاً آنان که امید کاذبی به ملت مظلوم فلسطین داده و آن‌گاه به بهای سیه‌روزی آنان، عیش ناپایداری برای خود فراهم کردند.

ملت فلسطین نباید و نمی‌تواند آزادی و حقوق حقه‌ی خود را در کنفرانس و گردهمایی‌های سران عرب جستجو کند. این نشست و برخاست‌ها، اگر برای فلسطینی‌های مظلوم، شوم و بدفرجام نباشد، حداقل بی‌فایده و بی‌خاصیت است. رؤسای که در این ایام به‌عنوان فلسطین‌گردهم‌آمدند، اگر صادقانه در اندیشه‌ی نجات فلسطین بودند، باید در برابر پیشنهاد مزورانه‌ی رئیس‌جمهوری امریکا، موضعی سخت و قاطع گرفته، برای کمک مالی و تسلیحاتی و سیاسی به مبارزان داخل فلسطین اشغالی، تصمیم‌های عاجل و واقعی می‌گرفتند و به شعارهای پوچ اکتفا نمی‌کردند و اگر چنین نشود - که نشده است و با وضع فعلی جهان عرب و حکام آن، نخواهد هم شد - مبارزان داخل باید به خدا و به نیروی مردمی و اسلامی تکیه کنند و بدانند: «کم من فئءة قلیلة»


ملت فلسطین
نبايد و نمی‌تواند
آزادی و حقوق حقه‌ی
خود را در کنفرانس و
گردهمایی‌های سران
عرب جستجو کند.

غلبت فئَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (۹).

۶) تکیه بر مردم و حاکمیت اراده و خواست و تشخیص آنان، رکن مهم دیگری است که روز به روز باید تحکیم و تقویت شود. مردم آزاده‌ی ما، با اراده‌ی قاطع خود که از ایمان عمیق آنان به اسلام ناشی می‌شود، مبارزات را تا پیروزی ادامه داده و جمهوری اسلامی را به وجود آورده و با فداکاری و ایثاری بی‌نظیر، از آن حراست نموده‌اند و از این پس هم در همه حال، نظام اسلامی متکی به مردم و متعلق به مردم و در اختیار مردم خواهد بود. مجلس شورای اسلامی که در آزادی و استقلال رأی در جهان بی‌نظیر است، مظهر اراده‌ی مردم و رئیس‌جمهور، وکیل و برگزیده‌ی مردم و مدیران کشور، آحادی از مردماند و مردم دارای حق رأی و بیان و تصمیم در کلیه‌ی امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌اند؛ و این، یکی از برکات بزرگ اسلام و طرح منحصر به فردی است که نظام‌های شرق و غرب، از ارائه‌ی آن ناتوان بوده‌اند و در هیچ‌یک از سیستم‌های حکومتی عالم، نمی‌توان نظیر آن را یافت.

 تکیه بر مردم و حاکمیت اراده و خواست و تشخیص آنان، رکن مهم دیگری است که روز به روز باید تحکیم و تقویت شود.

علاوه بر نظام‌های ورشکسته و متلاشی شده‌ی کمونیستی که در آن، حزب منحصر به فرد کمونیست، به جای مردم تصمیم می‌گرفت و علاوه بر نظام‌های ارتجاعی مستبدانه که در آن، سلطنت‌های موروثی و ریاست‌های ناشی از کودتای نظامی، با آن زندگی‌های قارونی و دیکتاتوری‌های فرعون‌ی، وبال جان و زندگی مردم محسوب می‌شوند، در کشورهایی هم که اسماً دارای نظام دمکراسی‌اند و حکومت‌ها علی‌الظاهر با رأی و انتخاب مردم بر سر کار می‌آیند، باطن کار چیز دیگری است و زمام همه‌ی کار، در دست کمپانی‌ها و سرمایه‌داران استثمارگر است و این قدرت پول و سرمایه است که با در دست داشتن رسانه‌ها و قدرت تبلیغات، امر را بر خود مردم هم مشتبه می‌کند.

در همه‌جای عالم، فاصله‌ی میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌ی شاه و گداست و حتی حکومت‌هایی هم که داعیه‌ی توده‌ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه‌ی شاهان برای خود صرف نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشأنش تا پایان عمر در زیّ طلبگی زندگی کرد و مسؤولان کشور بدون استثنا، دامان خود را از طرز زندگی‌های رایج مسؤولان در سایر کشورها پاکیزه نگاهداشتند.


افتخار نظام



اسلامی آن است که امام عظیم‌الشأنش تا پایان عمر در زیّ طلبگی زندگی کرد و مسؤولان کشور بدون استثنا، دامان خود را از طرز زندگی‌های رایج مسؤولان در سایر کشورها پاکیزه نگاهداشتند.


مسئولان در سایر کشورها پاکیزه نگهداشتند و مانند قشرهای متوسط مردم خود زندگی کرده‌اند. مردم میان خود و مسئولان، آن فاصله‌ی عمیقی را که در همه‌جای دنیا میان مردم و مسئولان هست، مشاهده نکردند؛ حرف خود را بی‌محابا زده و اگر انتقادی داشته‌اند، به راحتی مطرح ساخته‌اند و مطبوعات، حتی رادیو و تلویزیون، همواره نظرات گوناگون را در مسائل کشور منعکس کرده و مردم را در معرض افکار و سلیقه‌های گوناگون قرار داده‌اند و این، موضوعی روشن و مشهود است. حتی ورشکستگان سیاسی و دستجاتی که در امتحانات متعددی از آغاز انقلاب، مردود و در نزد مردم سرافکنده و به‌وسیله‌ی آنان مطرود شده‌اند نیز هنگامی که به تحریک اجانب، مقالات زهرآگین و کینه‌توزانه علیه نظام اسلامی و مسئولان کشور می‌نویسند و انواع اتهام را به آنان می‌زنند، این نوشته را بدون هیچ مانع و رادعی به چاپ رسانده، تا هر جا که خواننده‌ای بیابند، منتشر می‌کنند و علی‌رغم میل خود، عملاً وجود آزادی را اثبات می‌کنند.


بعضی از این نویسندگان و گویندگان که عمر باطل خود را غرقه در فساد و آلودگی‌های اخلاقی و سیاسی و


بعضی از این
نویسندگان و گویندگان
این مخالفت و عناد را
که مخالفت با اسلام و
استقلال و آزادی ملی
و طهارت اخلاقی است،
به حساب خرده‌گیری و
انتقاد از اوضاع سیاسی
و اقتصادی می‌گذارند و
در حالی که آزادانه هر چه
خواسته‌اند، گفته‌اند،
با وقاحت و بی‌شرمی،
مطالبه‌ی آزادی می‌کنند!

انواع هرزگی‌ها گذرانیده‌اند، با حکومت اسلامی که راه را بر این تباهی‌ها و هرزگی‌ها بسته است و اربابان خارجی آن‌ها را بیرون رانده، مخالفند و آن‌گاه این مخالفت و عناد را که مخالفت با اسلام و استقلال و آزادی ملی و طهارت اخلاقی است، به حساب خرده‌گیری و انتقاد از اوضاع سیاسی و اقتصادی می‌گذارند و درحالی‌که آزادانه هرچه خواسته‌اند، گفته‌اند، با وقاحت و بی‌شرمی، مطالبه‌ی آزادی می‌کنند! خواست حقیقی این‌ها، باز شدن پای امریکا و فروختن کشور به دشمنان است و خصم آنان، ملت رشید و آگاه است. ملت ما، حسرت بازگشت به دوران بردگی امریکا را بر دل آنان خواهد گذاشت و با همه‌ی وجود، دستاورد بزرگ خود- یعنی نظام اسلامی و حاکمیت اراده و ایمان انسان‌ها- را حراست خواهد کرد.


نظام اسلامی، هرگز نخواستہ آزادی را که پرچمدار آن اسلام و قرآن است، از مدعیان دروغگوی آزادی در نظام‌های غربی بیاموزد. ما آزادی فساد و بی‌بندوباری و هرزگی و آزادیِ دروغ و تزویر و فریب و آزادیِ ظلم و استثمار و تجاوز به حقوق ملت‌ها را که غرب پرچمدار و مرتکب آن بوده است، صریحاً و قاطعاً رد

 نظام اسلامی، هرگز نخواستہ آزادی را که پرچمدار آن اسلام و قرآن است، از مدعیان دروغگوی آزادی در نظام‌های غربی بیاموزد.



می‌کنیم. ما آن آزادی را که به سلمان رشدی مرتدّ نابه‌کار، اجازه‌ی اهانت به مقدسات یک میلیارد انسان را می‌دهد، اما به مسلمانان انگلیس حتّی حق شکایت از او را هم نمی‌دهد؛ به دولت امریکا حق تحریک و سردستگی اوباش مخالف با یک حکومت مردمی را می‌دهد، اما به آن حکومت مردمی، حق مقابله با آن اوباش را نمی‌دهد؛ به سرمایه‌داران غارتگر، حق ورود نامشروع به کشورهای ضعیف و چپاول هست و نیست آن ملت‌ها را می‌دهد، و به آن ملت‌ها حق مبارزه‌ی با آنان را نمی‌دهد، مردود و منفور می‌شماریم و آن را ننگ بشریت می‌دانیم.


آزادی در منطق ما، آزادی‌ای است که اسلام به ملت‌ها می‌بخشد و آنان را به کوه استواری در برابر سلطه‌گران ظالم و غاصب تبدیل می‌کند؛ همان‌طور که در مورد ملت ایران اتفاق افتاد و این معجزه پدید آمد؛ و این آزادی در کشور ما همواره هست و خواهد بود و همه‌ی آحاد ملت باید آن را حفظ کنند. مسؤولان کشور باید مانند همیشه، پاس حضور مردمی و تأثیر تعیین‌کننده‌ی آن در استقلال کشور را بدارند و به‌طور روزافزون، مردم را به حضور و فعالیت در صحنه‌های

ما آن آزادی را که  به سلمان رشدی مرتدّ نابه‌کار، اجازه‌ی اهانت به مقدسات یک میلیارد انسان را می‌دهد، ننگ بشریت می‌دانیم.

سیاسی و اقتصادی، فرهنگی و دفاعی و امنیتی تشویق نمایند.

۷) همکاری دولت و ملت و پیوند عاطفی و عقیدتی مردم با مسؤولان کشور، یکی از مظاهر اساسی حکومت مردمی است و تاکنون گره‌گشای مسائل بسیار مهمی بوده است و باید همیشه با همان قوت و استحکام باقی بماند. امام بزرگوار ما رضوان‌الله علیه در دوره‌های مختلف و نسبت به دولت‌های هم‌هی دوران ده‌ساله، همواره مردم را توصیه به همکاری و کمک نموده‌اند و امروز که دولت جمهوری اسلامی، با مدیریت یکی از چهره‌های شاخص انقلاب و یکی از شاگردان و یاران دیرین امام امت، با مجموعه‌ای از کارهای بزرگ برای پیشرفت کشور و رشد و توسعه‌ی ملی و دفاع از ارزش‌های انقلاب در سطح جهان رو به رو است، این پیوند و صمیمیت، از همیشه باید مستحکم‌تر باشد و بحمدالله همین‌طور نیز هست.


وقتی مدیران اصلی کشور مورد اعتماد مردمند و مردم در کار آنان، نشانه‌های لیاقت و صداقت را می‌بینند، همه‌ی کارها آسان‌تر و روان‌تر انجام می‌گیرد و وسوسه‌ها

 همکاری دولت و ملت و پیوند عاطفی و عقیدتی مردم با مسؤولان کشور، یکی از مظاهر اساسی حکومت مردمی است و تاکنون گره‌گشای مسائل بسیار مهمی بوده است و باید همیشه با همان قوت و استحکام باقی بماند.

موجب کارشکنی و عدم همکاری نمی‌شود. ممکن است بدخواهانی برای جلوگیری از پیشرفت کارها، دست به شایعه‌پراکنی زده و دولت یا دستگاه قضایی را زیر سؤال ببرند. ملت عزیز باید بدانند این‌گونه تلاش‌ها، ناشی از حسن نیت نیست و انتقاد نابه‌جا از مسئولان زحمتکش و مخلص و ناسپاسی در برابر تلاش‌های توانفرسای آنان، هرگز کمکی به پیشرفت امور کشور نکرده و نخواهد کرد.

دولت و دستگاه قضایی نیز باید خود را به تمام معنا خدمتگزار مردم دانسته، هدفی جز کسب رضای خدا از راه خدمت به ملت، مخصوصاً قشرهای محروم و زحمتکش و احقاق حق آنان و رفع ظلم از آنان و بریدن دست متجاوزان به حقوق عمومی و سوء استفاده‌کنندگان و زراندوزان از خدا بی‌خبر نداشته باشند. ملت وفادار ما در راه اسلام و انقلاب، از هیچ‌گونه فداکاری دریغ نکرده است و جا دارد که هرکس در هر مسؤولیتی، همه‌ی همت خود را به گنشودن گره‌ها و رفع مشکلاتی که از سوی دشمنان کشور تحمیل شده است، بگمارد.

۸) سازندگی کشور و آبادسازی این سرزمین پُربرکت


دولت و دستگاه
قضایی نیز باید خود را
به تمام معنا خدمتگزار
مردم دانسته، هدفی
جز کسب رضای خدا
از راه خدمت به ملت،
مخصوصاً قشرهای
محروم و زحمتکش
نداشته باشد.

و مستعد و جبران عقب‌ماندگی‌های تأسف‌باری که در دوران حکومت طواغیت، بر این ملت بااستعداد تحمیل شده است، یکی از هدف‌های اصلی جمهوری اسلامی است. ملت ما در بهترین فرصت‌های تاریخی، یعنی در دورانی که جهان، تازه به جاده‌ی دانش و صنعت قدم نهاده بود و ایران می‌توانست با بیداری و تحرک مناسب، سهم خود را در پیشرفت علمی و صنعتی بشریت ایفا کند و از نتایج آن بهره‌مند شود، در اسارت حکام ظالم و مستبد و بی‌خبر و وابسته، از قافله عقب ماند. پادشاهان پهلوی و قاجار، به جای سازندگی کشور و زنده کردن استعداد‌های خدادادی بشری و طبیعی آن، ایران را به خارجیان سوداگر و چپاولگر فروختند و منابع را به غارت بیگانگان دادند و یا راکد و معطل گذاردند و استعداد‌های انسانی را به هدر دادند و به جای مصلحت ملت، مصالح دولت‌ها و کمپانی‌های خارجی را مقصد خود ساختند؛ به‌طوری که خط آهن وقتی با صدسال تأخیر به کشور ما وارد شد، در تعیین مسیر آن، به جای رعایت مصالح ملت و نیازهای بازرگانی، مصلحت نظامی دشمنان در نظر گرفته شد.

سیاست وابسته و سوء تدبیر و ضعف نفس و استبداد

پادشاهان پهلوی و قاجار، به جای سازندگی کشور و زنده کردن استعداد های خدادادی بشری و طبیعی آن، ایران را به خارجیان سوداگر و چپاولگر فروختند .

در رژیم پهلوی و قاجار، در ظرف دویست سال، ایران را که روزی به برکت اسلام پرچمدار دانش جهان بود، به ویرانه‌ای محتاج بیگانگان و تحت سلطه‌ی آنان بدل ساخت. روستاها متروک، شهرها مصرف‌زده، مزارع بی‌ثمر، صنعت مونتاژ و مغزها معطل شدند.

پس از پیروزی اسلام و تشکیل نظام مردمی و انقلابی جمهوری اسلامی، دشمنان خارجی به خوبی تشخیص دادند که این نظام انقلابی، با پشتوانه‌ی مردمی نیرومند خود و با اعتقاد راسخی که به نیروی ملی و مردمی خود دارد، خواهد توانست کشور را در جاده‌ی رشد و پیشرفت مادّی بیندازد و عقب‌ماندگی‌ها را با برنامه‌ریزی جبران نماید و دست بیگانگان سودجو و بد نیّت را برای همیشه کوتاه کند. لذا از هر وسیله‌ای برای جلوگیری از سازندگی کشور استفاده کردند که یکی از آن‌ها، جنگ ویرانگری بود که بر مردم ما تحمیل نموده و موجب شدند که همت مردم و مسؤولان، به جای سازندگی و پیشرفت علمی و عملی، صرف دفاع از تمامیت و استقلال کشور شود.


امروز که آتش جنگ فرونشسته و برنامه‌ی سازندگی به وسیله‌ی دولت و مجلس تنظیم شده و نیروهای



پس از پیروزی
انقلاب اسلامی، دشمنان
به خوبی تشخیص
دادند که این نظام،
با پشتوانه‌ی مردمی
نیرومند خود، خواهد
توانست کشور را در
جاده‌ی رشد و پیشرفت
مادّی بیندازد .

مخلص، آستین همت بالا زده‌اند، بر همگان واجب است که سازندگی کشور را بسیار جدی بدانند و موانع را از سر راه آن بردارند. امروز، آبروی اسلام در گرو آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود، کار و ابتکار در آن همه‌گیر شود، زندگی مردم سر و سامان یابد، فقر و محرومیت ریشه‌کن شود، تولید داخلی با نیازهای مردم متعادل گردد، کشور در صنعت و کشاورزی به خودکفایی برسد، دشمن از طریق احتیاجات زندگی مردم، راهی به اعمال فشار نداشته باشد و خلاصه دین در کنار معنویت، زندگی مادی مردم را نیز سامان بخشد.


بعضی از رسانه‌های مغرض خارجی اصرار دارند و انمود کنند که پایبندی به اصول انقلاب، به معنای دوری از رفاه عمومی و علاج نکردن مشکلات طبقات ضعیف و مستمند است. این حرف از کسانی صادر می‌شود که ده‌ها سال جوامع خود را در سایه‌ی سنگین تفکر کمونیستی، به راهی بدبختی‌زا سوق داده‌اند. در حالی که سران آن کشورها مانند کشورهای سرمایه‌داری، غرق در زندگی اشرافی بودند، طبقات پایین جامعه در انواع سختی‌های مادی و معنوی به‌سر می‌بردند. در نظام


بر همگان واجب است که سازندگی کشور را بسیار جدی بدانند. امروز، آبروی اسلام در گرو آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود، کار و ابتکار در آن همه‌گیر شود، فقر و محرومیت ریشه‌کن و

اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدفهای طراز اول است و پایبندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنی و ادعایی پوچ است.

دولت و ملت، باید سازندگی کشور را وظیفه‌ای انقلابی بدانند؛ با همکاری و با بسیج همه‌ی نیروها و استعدادها و مغزها و بازوها، ایران را چنان آباد و پیشرفته بسازند که امید را در دل ملت‌های مظلوم زنده کند و راه آسایش مادی و تعالی معنوی را به آنان ارایه نماید.


۹) گسترش دانش و تحقیق و رشد علمی و شکوفایی استعدادهای انسانی و گسترش آگاهی و معرفت عمومی، یکی دیگر از نقاط اساسی انقلاب است. جامعه‌ی مطلوب اسلام، جامعه‌ای است که در آن، گنجینه‌های فکر و ذهن انسان‌ها- که گرانبهاترین ثروت ملی هر جامعه‌ای است- استخراج و به‌کار گرفته شود؛ بی‌سوادی ریشه‌کن گردد؛ مدارس، در برگیرنده‌ی همه‌ی کودکان و نونهالان؛ دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، پُررونق؛ مراکز تحقیق، فعال و پیشرو؛ کتاب، همه‌جا و نزد همه‌کس رایج؛

 جامعه‌ی مطلوب اسلام، جامعه‌ای است که در آن، گنجینه‌های فکر و ذهن انسان‌ها- که گرانبهاترین ثروت ملی هر جامعه‌ای است- استخراج و به‌کار گرفته شود.

مطبوعات، پُرمغز و آگاهی‌بخش؛ دانشمندان و اساتید، با نشاط و پُرانگیزه؛ مبتکران و نوآوران و نویسندگان و هنرمندان، دلگرم و فیض‌بخش باشند.

فاصله‌ی امروزین ما با وضعی که مطلوب و مقبول اسلام می‌باشد، فاصله‌ای زیاد، اما پیمودنی است. ایران اسلامی باید ثابت کند که امروز هم پرورشگاه نبوغ‌ها و استعداد‌های علمی منحصر به فرد است و دو قرن سلطه‌ی استبداد و استعمار، نتوانسته است جوهر ذاتی این ملت را نابود کند. اگر در دو قرن گذشته، تسلط استعمار و استبداد، مانع شکوفایی استعدادها شده، امروز در دوران آزادی و بیداری ملت و به برکت انقلاب اسلامی، باید عقب‌ماندگی جبران شود.

دانشگاه‌ها باید تلاش علمی و تحقیقی خود را با روحیه‌ی انقلابی و نشاط اسلامی دنبال کنند؛ وگرنه سرنوشت آن‌ها بهتر از دانشگاه‌های دوران طاغوت نخواهد بود که در آن، خودباختگی علمی در برابر بیگانگان و تحقیر ارزش‌های خودی، راه را بر جوشش استعدادها می‌بست و مغزهای مستعد را هم به گریز از مرز و بوم خود تشویق می‌کرد. اساتید عالی‌قدر و دلسوز، باید فضای انقلابی را برای تربیت نیروهای

فاصله‌ی امروزین 
ما با وضعی که مطلوب و مقبول اسلام می‌باشد، اما فاصله‌ای زیاد، اما پیمودنی است.


مستعد مغتنم بشمارند و دانشجویان ضمن تکریم و احترام به اساتید- که فریضه‌ای اسلامی است- نباید اجازه دهند احیاناً کسی بدخواهانه، از علم و تخصص، وسیله‌ای برای هموار کردن راه فرهنگ استعماری در دانشگاه‌ها درست کند و مانند دوران سلطه‌ی بیگانگان، دانشگاه را پرورشگاه مغزهای از خود بیگانه و بیگانه‌پرست سازد. روشنفکران دلسوز و صادق بدانند که امروز، روز آزمایشی بزرگ است و تاریخ درباره‌ی آنان و رفتار امروزیشان، قضاوتی دقیق و افشاگر خواهد داشت.

اگر کسانی از وابستگان به قشر روشنفکر کشور، در دوران سلطه‌ی بیگانگان و حکومت خودفروختگان، توفیق آن را نیافته‌اند که به اقتضای مسؤولیت روشنفکران، در صفوف ملت قرار گرفته و در جایگاه خود در جبهه‌ی مبارزه با امریکا و رژیم دست‌نشانده‌اش قرار گیرند، امروز که روز حکومت مردم و حاکمیت ارزش‌های اسلامی و انسانی و روز مبارزه با بیگانگان کینه‌ورز و خدعه‌گر است، باید گذشته را جبران و صفوف مبارزه‌ی ملت ایران را با امریکا و استکبار و امپراتوری خبیثِ زر و زور جهانی، به سهم خود و به



اگر کسانی از
وابستگان به قشر
روشنفکر کشور، توفیق
آن را نیافته‌اند در
صفوف ملت قرار گیرند
امروز باید گذشته را
جبران کنند .

قدر نیرو و توان خود مدد برسانند و زبان و قلم و هنر را در خدمت جهاد عظیم اسلامی این ملت قرار دهند. زندگی در نظامی که برپایه‌ی معرفت و فرهنگ و ارزش‌های الهی بنیان نهاده شده، برای همه افتخارانگیز است؛ نظامی که در رأس آن امام خمینی است؛ آن عظیم‌القدری که حتی دشمنانش او را بزرگ و خارق‌العاده می‌شمارند و به عظمتش کینه می‌ورزند. هیچ‌کس اعتلای معنوی او و زهد و پارسایی او و دانش و معرفت او و صفای روح بزرگ او را انکار نمی‌کند. هیچ‌کس در او، کمترین شائبه‌ای از ضعف و تسلیم در برابر دشمنان ملت نمی‌شناسد و قله‌ای برتر از او در عظمت روحی، گمان نمی‌برد.

چقدر کوچک و زبون و بی‌مقدارند کسانی که خود را دلبسته به نظامی بدانند که در رأس آن، مردمی فاسد و فاسق و خائن، مانند پادشاهان صدسال اخیر قرار داشته باشند و گردانندگان آن، امثال رضاخان و محمدرضا و علم و اقبال و هویدا و زاهدی و منصور و وابستگان بدنام و مجریشان باشند و امریکا و انگلیس، ارباب این‌همه و صاحب‌اختیار ملک و ملت باشند. آیا روشنفکرنمایی که در سایه‌ی آزادی اسلامی،


زندگی در نظامی  که برپایه‌ی معرفت و فرهنگ و ارزش‌های الهی بنیان نهاده شده، برای همه افتخارانگیز است؛ نظامی که در رأس آن امام خمینی است.

فرصت و امکان آن را یافته‌اند که صفحاتی را به داعیه‌ی روشنفکری، از سخنانی خوشایند بیگانگان مطرود پُر و منتشر کنند، شهامت آن را دارند که به صراحت اقرار کنند که داغ و غصه‌ی آنان، نه برای علم یا آزادی، بلکه به‌خاطر جمع شدن سفره‌ی ننگین فسق و فساد و کوتاه شدن دست مروّجان فرهنگ تباهاگر غربی است؟ و دشمنی آنان با نظام، نه به دلیل وجود عیب و نقیصه‌ای در آن، بلکه به انگیزه‌ی بازگشت به همان دنیای شرم‌آوری است که بیگانگان برای آنان به‌وجود آورده و از خود آنان در راه آن کمک گرفته بودند؟! از مسخ شدگان فرهنگ استعماری غرب، هیچ انتظاری نیست؛ امید و انتظار از روشنفکران صادق و دلسوزی است که تعالی و عزت و پیشرفت معنوی و مادّی ملت و کشور خود را می‌جویند و سلطه‌ی بیگانه را در همه‌ی اشکالش مردود می‌شمارند. شایسته است که اینان نظام اسلامی را- که مایه‌ی عزت ایران و حیات دوباره‌ی ملت است- قدر بدانند و مسؤولیت خود را در آن بشناسند.



از مسخ شدگان فرهنگ استعماری غرب، هیچ انتظاری نیست؛ امید و انتظار از روشنفکران صادق و دلسوزی است که تعالی و عزت و پیشرفت معنوی و مادّی ملت و کشور خود را می‌جویند و سلطه‌ی بیگانه را در همه‌ی اشکالش مردود می‌شمارند.

۱۰) روحانیت، عنصر اصلی در مبارزات پانزده

ساله‌ی منتهی به پیروزی انقلاب و سپس در تشکیل نظام مقدس اسلامی و برافراشتن پرچم اسلام در جهان و در مقاومت پُرشور ملت ایران در برابر تهاجم‌های گوناگون دشمنان و پیش از این‌ها و در طول قرن‌های متمادی، عامل اصلی حفظ معارف اسلامی و ایمان عمیق و صادقانه‌ی ملت ایران به مکتب حیات‌بخش اسلام و رشد تفکرات دینی در همه‌جا بوده است. حضور روحانیون متعهد و مبارز در مرکز مبارزه با رژیم دست‌نشانده‌ی امریکا بود که قشرهای گوناگون مردم را به صحنه‌ی مبارزه کشانید و مبارزه را شکل عمومی و مردمی بخشید. در همه‌ی حوادث بزرگی که ملت ایران یکپارچه در آن شرکت جستند- مانند نهضت مشروطیت و قیام تنباکو- نیز حضور علمای دین در پیشاپیش صفوف، تنها عامل این حضور عمومی بوده است. استعمارگران انگلیسی، با درک همین حقیقت بود که انهدام جامعه‌ی روحانیت را مقدمه‌ی لازم برای ادامه‌ی حضور استعماری خود در ایران دانستند و به‌وسیله‌ی عامل دست‌نشانده‌شان- رضاخان- در سال‌های ۱۳۱۳ به بعد، نقشه‌ی محو روحانیت را شروع کردند و در آن سال‌ها دست به فجایعی نسبت به علمای عالی‌مقام

 روحانیت عامل اصلی حفظ معارف اسلامی و ایمان عمیق و صادقانه‌ی ملت ایران به مکتب حیات‌بخش اسلام و رشد تفکرات دینی در همه‌جا بوده است.

و حوزه‌های علمیه زدند که در تاریخ ایران، پیش از آن هرگز سابقه نداشت و متأسفانه شرح این فجایع و ماجرای مقاومت مظلومانه‌ی علما و طلاب در آخرین سال‌های حکومت رضاخان قلدر، به‌طور کامل تدوین نشده و در معرض اطلاع مردم قرار نگرفته است و لازم است اطلاع شاهدان عینی- که بحمدالله هنوز تعداد آنان کم نیست- به‌وسیله‌ی افراد و مؤسسات مسئول، با همتی مردانه گردآوری شود.


آزادگی روحانیون و علمای دین و عدم نفوذ قدرت‌های داخلی و جهانی در آنان، موجب آن بوده است که قلدران و حکمرانان خودسر، هیچ‌گاه نتوانند این مجموعه‌ی ربّانی را از سر راه مفسده‌جویی‌ها و خیانت‌های خود بردارند و اگر جمعی از معممین سرسپرده و آخوندهای درباری، به طمع حُطامِ ناپایدار دنیا، بر سرسفره‌ی ستمگران نشسته و قولاً و عملاً آنان را تأیید کردند، اکثریت علما و روحانیون و فضلا و طلاب جوان، در حصار مناعت و پرهیزگاری و پاکدامنی باقی مانده و اراده و توان مبارزه‌ی صادقانه و قدرتمندانه را حفظ کردند و اعتقاد راسخ به روحانیت شیعه را در دل آحاد مردم، زوال‌ناپذیر ساختند.

آزادگی روحانیون

و علمای دین و عدم نفوذ قدرت‌های داخلی و جهانی در آنان، موجب آن بوده است که قلدران و حکمرانان خودسر، هیچ‌گاه نتوانند این مجموعه‌ی ربّانی را از سر راه مفسده‌جویی‌ها و خیانت‌های خود بردارند.

جامعه‌ی روحانیت به همین دلیل، همواره آماج تیرهای زهرآلود خصومت و غرض‌ورزی دشمنان گوناگون و استعمارگران و بیگانگان و بیگانه‌پرستان بوده و به مثابه‌ی دشمن درجه‌ی یک آنان تلقی شده است. تبلیغات خصمانه و برنامه‌ریزی شده‌ی حکومت پهلوی و سیاست‌های ذی‌نفوذ در ایران در طول پنجاه سال برضد قشر روحانی که ماهیتی صددرصد استعماری داشت، در دوران رضاخان و نیمه‌ی اول دوران محمد‌رضا، آزمایش سختی برای علمای دین بود و جامعه‌ی روحانیت بحمدالله از این آزمایش سربلند بیرون آمد.

در دوران مبارزات پانزده ساله نیز حوزه‌های علمیه‌ی قم و دیگر حوزه‌های علمیه و چهره‌های سرشناس روحانیت، کانون‌های اصلی مبارزه و بالطبع هدف‌های اصلی حملات وحشیانه‌ی دشمن بودند؛ لیکن این شدت عمل‌های بی‌حد و حساب، به اراده‌ی الهی موجب آن نشد که روحانیت از راه پُرافتخار خود-که پیمودن آن، وظیفه‌ی تخلف‌ناپذیر اسلامی او بود- قدم باز پس نهد؛ بلکه در این دوران، فکر اسلامی شکوفاتر، صیقل‌خورده‌تر و فقه قرآن، پُربارتر و شخصیت

 تبلیغات خصمانه حکومت پهلوی و سیاست‌های ذی‌نفوذ در ایران برضد قشر روحانی که ماهیتی صد در صد استعماری داشت، آزمایش سختی برای علمای دین بود که بحمدالله از این آزمایش سربلند بیرون آمدند.

روحانیون مبارز، آبدیده‌تر شد و زمینه برای تشکیل حکومت اسلامی فراهم آمد.

پس از انقلاب تاکنون نیز روحانیت، به‌خصوص عناصر برجسته‌ی آن - که مستقیماً در خدمت نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند - بی‌وقفه آماج حملات مسموم دشمن بوده‌اند؛ چه در عرصه‌ی تبلیغات و چه در عرصه‌ی تروریزم خائنانه و آلت دست دشمن؛ و شهدای گرانقدری، هم در جبهه‌ی جنگ تحمیلی و هم در جبهه‌های فعالیت‌های جهادی خود تقدیم داشته‌اند و محراب نماز جمعه و عرصه‌ی علم و سیاست و تبلیغ دین را با خون مطهر خود رنگین ساخته‌اند.


ملت عزیز ما می‌دانند که انگیزه‌ی دشمن از این حملات همه‌جانبه به علمای دین، جز این نیست که به‌وضوح می‌دانند روحانیت نقش تعیین‌کننده و بی‌بدیلی داشته و دارند و آنان حمله به روحانیت را با هدف تضعیف و محو انقلاب انجام می‌دهند.

امروزه قلم‌های مزدور و دست‌های فروخته شده به دشمن، در کار آنند که این پشتوانه‌ی معنوی انقلاب را در چشم مردم تضعیف کنند. دشمن انقلاب، جامعه‌ی روحانیت را در صورتی تحمل می‌کند که روحانیون


 پس از انقلاب تاکنون نیز روحانیت، به‌خصوص عناصر برجسته‌ی آن - که مستقیماً در خدمت نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند - بی‌وقفه آماج حملات مسموم دشمن بوده‌اند.

از دخالت در امور سیاست و حضور در صحنه‌های انقلاب کنار بکشند و مانند جمعی از روحانیون بی‌خبر و متحجر گذشته و حال، به کنج مدارس و مساجد اکتفا کنند و کشور و زندگی مردم را به آنان بسپارند و از جمله‌ی پدیده‌های پُرمعنی آن است که در تمام مدت مبارزات و نیز سال‌های پس از پیروزی، علمای متحجر و بی‌خبر از حوادث کشور و دور از جریان‌های سیاسی، هیچ‌گاه در معرض تهاجم دشمنان قرار نگرفتند؛ بلکه حتی گاه مورد ستایش و تمجید نیز واقع شدند و حملات جسمی و تبلیغی و حتی تهمت ارتجاع و واپسگرایی از سوی روشنفکرانمایان عامل بیگانه، تنها متوجه علما و روحانیونی شد که از لحاظ اندیشه‌ی سیاسی و نوآوری‌های عرصه‌ی علم و عمل، درخشیده و به‌عنوان قشری پیشرو و مترقی و آگاه، شناخته شده‌اند.

موضعگیری‌های دشمنان، به‌درستی همان حقیقتی را برای مردم آگاه و جامعه‌ی روحانیت متعهد و انقلابی آشکار می‌سازد که امام حکیم و روشن‌بین ما بارها آن را بیان کرده‌اند. یعنی اولاً این‌که قدرشناسی از روحانیون بزرگوار و تبعیت از آنان، وظیفه‌ای دینی و ملی و انقلابی است که هیچ‌گونه غفلت از آن جایز نیست.

 دشمن انقلاب، جامعه‌ی روحانیت را در صورتی تحمل می‌کند که روحانیون از دخالت در امور سیاست و حضور در صحنه‌های انقلاب کنار بکشند و مانند جمعی از روحانیون بی‌خبر و متحجر گذشته و حال، به کنج مدارس و مساجد اکتفا کنند.

ثانیاً این‌که تاجر و واپسگرایی در میان روحانیون و یا خدای نخواستہ توجه به منافع شخصی و دنیاطلبی و روی آوردن به زیورهای مادی و سوء استفاده از مکانت اجتماعی، خطرش برای روحانیت، کمتر از حملات دشمن نیست؛ بلکه به مراتب از آن بیشتر است. و ثالثاً وضعیت دوران انقلاب و توجه روزافزون به اسلام در خارج از مرزهای کشور اسلامی، ایجاد می‌کند که علمای دین، با بینشی کاملاً نو و با استفاده از ذخیره‌ی بی‌پایان معارف دین و با اسلوب فقاہت سنتی و اجتهاد زنده و پویا، راه جامعہ‌ی اسلامی را هموار نمایند و حوزه‌های علمیه با تحولی اساسی، خود را با نیازهای امروز جهان تطبیق دهند و نوآوری را جهت و سمت برنامه‌های خود قرار دهند و البته با اعمال دقت لازم و برجسته کردن اصول و مبانی فقاہت، راه را بر التقاط و کج‌روی ببندند. رابعاً انزوا و دوری از فعالیت سیاسی را- که خواست دشمنان و خلاف وظیفه‌ی اسلامی است- به‌هیچ‌وجه در زندگی خود و حوزه‌های علمیه راه ندهند و همواره مخصوصاً در مواقع خطر، پیشاپیش صفوف مردم، به تلاشی مخلصانه و خستگی‌ناپذیر مشغول باشند و علم را با



واپسگرایی در
میان روحانیون و یا خدای
نخواستہ توجه به منافع
شخصی و دنیاطلبی و
روی آوردن به زیورهای
مادی و سوء استفاده از
مکانت اجتماعی، خطرش
برای روحانیت، کمتر از
حملات دشمن نیست.


عمل و تفقه را با جهاد و معرفت را با تبلیغ قوی و عملی همراه سازند و هر سه سنگر: مدرسه، مسجد و جبهه را پُر کنند.

۱۱) در این مقال، لازم است بزرگداشت وفاداران فداکار نیز به‌عنوان یکی از نقاط عمده‌ی معارف انقلاب ذکر شود. مقصود از وفاداران انقلاب، آن‌هایی که با نثار جان خود یا عزیزان خود یا سلامتی خود، پایه‌های انقلاب را استحکام بخشیدند و دست دشمنان را از کشور و نظام اسلامی کوتاه کردند: خانواده‌های مکرّم شهیدان، دلیرمردان جانباز و اسیر و مفقود و خانواده‌های بزرگوار آنان، رزمندگان نیروهای مسلح و عناصر پاکباز بسیج که عمر خود را در جبهه‌ها گذرانیده‌اند، جهادگرانی که نیروی خود را در دو جبهه‌ی جنگ و سازندگی صرف کردند... و همه‌ی کسانی که در این امتحان الهی، با سختی‌ها و ابتلائات بزرگش دست و پنجه نرم کردند، باید مورد تکریم و قدرشناسی همیشگی ملت باشند.

۱۲) ختام سخن آن است که دوران ده‌ساله‌ی حیات

وفاداران انقلاب،
آن‌هایی که با نثار جان
خود یا عزیزان خود یا
سلامتی خود، پایه‌های
انقلاب را استحکام
بخشیدند

مبارک امام خمینی رضوان الله تعالی علیه الگو و نمونه‌ی حیات جامعه‌ی انقلابی ماست و خطوط اصلی انقلاب، همان است که امام ترسیم فرموده است. دشمنان خام‌طمع و کوردل که گمان کردند با فقدان امام خمینی دوران جدید با مشخصاتی متمایز از دوران امام خمینی قدس سرّه آغاز شده است، سخت در اشتباهند. امام خمینی، یک حقیقت همیشه زنده است. نام او پرچم این انقلاب، و راه او راه این انقلاب، و اهداف او اهداف این انقلاب است. امت امام و شاگردان او که از سرچشمه‌ی فیاض آن موجود ملکوتی سیراب شده و عزت و کرامت اسلامی و انسانی خود را در آن جسته‌اند، اکنون شاهد آنند که ملت‌های دیگر، حتی ملت‌های غیرمسلمان، نسخه‌ی تعالیم انقلابی آن قائد عظیم را مایه‌ی نجات خود دانسته و آزادی و عزت خویش را در آن یافته‌اند. امروز به برکت نهضت آن یگانه‌ی دوران، مسلمانان در همه‌جا بیدار شده‌اند و کاخ امپراتوری‌های سلطه‌ی ظالمانه، رو به ویرانی نهاده است. ملت‌ها ارزش قیام ملی را دریافته و غلبه‌ی خون بر شمشیر را تجربه می‌کنند و همه در همه‌جا، چشم به ملت مقاوم و نستوه ایران دوخته‌اند.


امروز به برکت  نهضت آن یگانه‌ی دوران، مسلمانان در همه‌جا بیدار شده‌اند و کاخ امپراتوری‌های سلطه‌ی ظالمانه، رو به ویرانی نهاده است.

بدیهی است که برای امریکا و دیگر سردمداران استکبار، چیزی مهم‌تر از این نیست که ملت ایران از راه ده‌ساله‌ی خود برگردد، یا در آن تردید کند؛ زیرا در این صورت، نقطه‌ی درخشان امید ملت‌ها کور خواهد شد و غلبه‌ی خون بر شمشیر، مورد تردید قرار خواهد گرفت. ما صریحاً به همه‌ی ملت‌های جهان اعلام می‌کنیم که تفکر «خاتمه یافتن دوران امام خمینی» که دشمن با صد زبان سعی در القای آن دارد، خدعه و نیرنگی استکباری بیش نیست و علی‌رغم امریکا و همکارانش، امام خمینی در میان ملت خود و جامعه‌ی خود حاضر است و دوران امام خمینی ادامه دارد و خواهد داشت. راه او راه ما، هدف او هدف ما، و رهنمود او مشعل فروزنده‌ی ماست.

همه‌ی ملت و مخصوصاً جوانان عزیز و نوجوانان، خود را سربازان امام محبوبشان بدانند و با اتکال به خدا و استمداد از حضرت ولی‌الله الأعظم ارواحنا فداه با قوّت و قدرت به سمت هدف‌های عالی امامشان حرکت کنند و بدانند که پیروزی نهایی از آن ماست. «کتب الله لاغلبنّ انا و رسلی» (۱۰).

دوم خرداد ۱۳۶۹ برابر با ششم ذی‌القعدة ۱۴۱۰

علی الحسینی خامنه‌ای

دوران امام 
خمینی ادامه دارد و خواهد داشت. راه او راه ما، هدف او هدف ما، و رهنمود او مشعل فروزنده‌ی ماست.

(١) نور: ٣٧ و ٣٨

(٢) حج: ٥

(٣) غافر: ١٦

(٤) صف: ٩

(٥) انفال: ٦٢

(٦) بقره: ٢٨٥

(٧) بروج: ٨

(٨) ابراهيم: ٢٨ و ٢٩

(٩) بقره: ٢٤٩

(١٠) مجادله: ٢١